

۳
افقخلع سلاح سیاسی؟
تصمیم لبنان برای حزب الله۴
کافهآینده‌سازی در نشر
عبدالحسین آذرنگ۵
تماشاتلاشی برای رفع تبعیض
نگاهی به فیلم زن و بچه۲
پارلماندولت زیر تیغ مجلس
فشار نمایندگان بر وزرای نیرو، کشاورزی و اقتصاد۷
جامعهکارناوال‌های بی‌مجاز
ماجرای گروه خودخوانده
«سفیران ملی معروف» چیست؟

گزارش یک

زشت و بی‌سلیقه

گزارش سازندگی درباره اجرای
پرفورمنس شهرداری مقابل تئاتر شهر

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



شهرداری تهران در روزهای اخیر اقدام به تخلیه حجم قابل‌توجهی از نخاله‌های ساختمانی در محوطه بنای تاریخی تئاتر شهر کرده و آن را به‌عنوان اجرای یک «پرفورمنس هنری» برای نمایش ویرانی خانه‌ها در جریان «جنگ ۱۲ روزه» معرفی کرده است. این ماکت آوار که بدون هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی قبلی در حریم درجه یک تئاتر شهر نصب شد به گفته مدیران شهری نمادی از تخریب منازل مسکونی در جنگ ۱۲ روزه (۲۳ خرداد تا ۳ تیر ۱۴۰۴) است. این جنگ که با حملات موشکی و هوایی رژیم اسرائیل به شهرهای ایران، از جمله تهران، همراه بود، خسارات زیادی بر جای گذاشت؛ بر اساس آمار رسمی، تنها در تهران بیش از ۸۲۰۰ واحد مسکونی آسیب دید که صدها واحد به‌کلی ویران شدند. با این حال، اجرای نماد آوار جنگ در قلب پایتخت، آن هم در مهم‌ترین مجموعه هنری شهر با شگفتی و انتقاد گسترده شهروندان و اهالی فرهنگ روبه‌رو شده است.

دیدن انبوه نخاله‌های ساختمانی در محوطه تئاتر شهر در نگاه اول، شهروندان را حیرت‌زده کرد و این اقدام را نشانه‌ای از کج‌سلیقگی مدیران شهری دانست. بسیاری از کارشناسان معماری و هنر شهری تأکید کرده‌اند که چنین حرکتی نه تنها یک اقدام غیرحرفه‌ای و بی‌ظرافت فرهنگی است بلکه نمایانگر نوعی سردرگمی در درک کارکرد فضاهای عمومی و نمادهای فرهنگی شهر محسوب می‌شود. مهرداد سلوکی، معمار و پژوهشگر شهری با انتقاد صریح از این اقدام می‌گوید: ریختن زباله و آوار در فضایی مانند تئاتر شهر به منزله تخریب نمادین هویت فرهنگی آن است و نشان از ناآگاهی نسبت به «معماری ذهنی شهروندان» دارد. به گفته او، مکان‌یابی و زمان‌بندی این به اصطلاح پرفورمنس نادرست بوده و بدون بسترسازی فرهنگی و اطلاع‌رسانی مناسب اجرا شده است؛ نتیجه آن نیز چیزی جز ایجاد «بی‌نظمی بصری و محیطی» در فضای مرکزی شهر نیست.

بنای مدور تئاتر شهر تهران که در سال ۱۳۵۱ افتتاح شده، یک مجموعه منحصر به فرد هنری و تاریخی است که در تقاطع شلوغ چهارراه ولی عصر قرار دارد. این بنا در فهرست آثار ملی و میراث فرهنگی ایران به ثبت رسیده و محوطه آن دارای حریم درجه یک حفاظتی است. طی ماه‌های گذشته نیز چندین مورد مداخله بحث‌برانگیز در این محدوده صورت گرفته که با فضای هنری و شأن فرهنگی تئاتر شهر همخوانی نداشته است. از جمله می‌توان به حصارکشی اطراف تئاتر شهر توسط شهرداری در اوایل سال اشاره کرد که با اعتراض گسترده هنرمندان و دوستداران میراث فرهنگی متوقف شد. همچنین برپایی چادرهای عشایری و غرفه‌های نمایشگاهی و تجاری در محوطه این مجموعه در سال گذشته باعث مخدوش شدن چهره این بنای فرهنگی گردید و با انتقاد صریح اصحاب هنر روبه‌رو شد. علی اعطاء، (عضو پیشین شورای شهر) آن زمان تأکید کرد که تئاتر شهر یک کانون مهم فرهنگی و بنایی ثبت شده است و برپایی سیاه‌چادرها و خیمه‌ها در محوطه‌اش در شأن این مجموعه نیست؛ وی هشدار داد که نباید با حریم منظر این نماد فرهنگی برخورد سطحی و باری به هر جهت شود. با وجود این تذکرات، اقدام اخیر شهرداری در انباشتن نخاله‌های جنگی نشان می‌دهد که ملاحظات میراثی و حرمت فرهنگی تئاتر شهر بار دیگر نادیده گرفته شده است.

| ادامه در صفحه ۷

در کانون تصمیم‌سازی

علی لاریجانی با حکم رئیس‌جمهور
دبیر شورای عالی امنیت ملی شد
سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است

هدا احمدی

گروه سیاسی



در عصر روز ۱۴ مرداد ۱۴۰۴ با صدور حکمی از سوی مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، علی لاریجانی به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی منصوب شد. در متن حکم با تأکید بر اصل ۱۷۶ قانون اساسی، سوابق مدیریتی، تعهد و تجربه لاریجانی مورد ستایش قرار گرفته و بر مأموریت‌های مهمی نظیر «رصد تهدیدات نوظهور و فناوریانه»، «بازتعریف مفاهیم راهبردی امنیت ملی» و «هم‌افزایی دستگاه‌ها» تأکید شده است. در حکم رییس‌جمهور آمده است: «به استناد اصل یکصد و هفتاد و هشتم قانون اساسی و نظر به مراتب تعهد، سوابق و تجارب گرانسنگ مدیریتی جناب‌عالی به موجب این حکم به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی منصوب می‌شوید. انتظار دارد با اتکال به خداوند متعال و تشریک مساعی سایر اعضای محترم شورا؛ ضمن نظارت مدبرانه و دقیق بر حسن اجرای امور دبیرخانه و هم‌افزایی دستگاه‌های مرتبط نسبت به رصد و اولویت‌بندی مسائل و مخاطرات امنیت ملی، به ویژه تهدیدات نوظهور و فناوریانه، بازتعریف مفاهیم راهبردی و اتخاذ رویکرد هوشمندانه و مردم‌پایه متناسب با نظام مسائل امنیت ملی در راستای تحقق سیاست‌های کلی و منویات مقام معظم رهبری، حرکت کنید تا به امنیت پایدار در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابید. هدف، پاسداری از انقلاب اسلامی، تأمین عزت‌مندانه منافع و حفظ انسجام ملی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور است. کلیه اموری که به امنیت ملی مربوط است صرفاً از طریق دبیرخانه بررسی و تصمیم‌سازی شود. توفیقات روزافزون آن جناب را در انجام شایسته وظایف محوله از درگاه خداوند سبحان خواستارم و از خدمات ارزنده و خالصانه جناب آقای دکتر احمدیان طی دوره مسئولیت نیز قدردانی و تشکر می‌نمایم». این انتصاب تنها دو روز پس از تأسیس شورای دفاع کشور با ترکیب متفاوت و ریاست رئیس‌جمهور صورت گرفت. شورا و دبیری که قرار است بر یکی از حساس‌ترین سطوح تصمیم‌سازی در کشور نظارت داشته باشد. به همین دلیل، این تغییر به‌ویژه با حضور چهره‌ای مانند لاریجانی که سابقه قبلی در این سمت را دارد، حامل پیام‌های سیاسی و امنیتی قابل توجهی است. حال آن‌طور که تسنیم خبر داده، قرار است با انتصاب علی لاریجانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی، علی‌اکبر احمدیان که پیش از این در جایگاه دبیری این شورا حضور داشت به دولت برود. در نتیجه باید منتظر حکم مسعود پزشکیان بمانیم تا مشخص شود که احمدیان در معاونت جدید در ساختار دولت با مأموریت‌های ویژه به دولت وارد خواهد شد یا خیر؟

| ادامه در صفحه ۲



دیدگاه: گفتار روز

واکنش‌ها به یک حمله پزشکیان

در زنجان

لیلاز: رئیس‌جمهور پوپولیست نیست بلکه سلوک شخصی او همین‌ی است که تصویر می‌شود



عبارت «جعفر ولش کن» که توسط مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، خطاب به معاون اجرایی‌اش محمدجعفر قائم‌پناه در یک برنامه رسمی بیان شد، در روزهای اخیر دستمایه تحلیل‌ها، شوخی‌ها و انتقادات فراوانی در شبکه‌های اجتماعی شده است. در فیلمی که از این لحظه منتشر شد، دیده می‌شود پزشکیان سخنان قائم‌پناه که در حال تمجید از او بود را قطع کرده و از او می‌خواهد، اصل مطلبش را بیان کند. بسیاری از کاربران این برخورد را نشانه‌ای از روحیه ضدتملق رئیس‌جمهور دانستند و آن را تحسین کردند. در مقابل، عده‌ای لحن و ادبیات به کار رفته را در شأن مقام ریاست‌جمهوری ندانستند و آن را غیرحرفه‌ای خواندند. در میان این بحث‌ها برخی نیز با یادآوری رفتارهای محمود احمدی‌نژاد، رئیس دولت‌های نهم و دهم، ادعا کردند که برخی نشانه‌های مشابه از رفتارهای پوپولیستی در پزشکیان نیز قابل مشاهده است. ادعایی که سعید لیلاز، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی، آن را نادرست و ناشی از برداشت سطحی از رفتار پزشکیان می‌داند. لیلاز در گفت‌وگو با خبرنگار این تأکید کرده که پزشکیان نه‌تنها پوپولیست نیست بلکه سادگی و بی‌تکلفی او در زندگی شخصی همان چیزی است که در رفتار عمومی‌اش هم دیده می‌شود. او می‌گوید نباید سادگی رفتاری را با عوام‌فریبی یکی دانست. از نظر این تحلیلگر، آنچه احمدی‌نژاد را به یک چهره پوپولیست بدل کرد، نه سبک زندگی ساده‌اش بلکه تلاش برای تعمیم آن به سیاست‌های عمومی و دور زدن فرآیندهای قانونی کشور برای کسب محبوبیت سیاسی بود. در مورد رابطه پزشکیان و قائم‌پناه نیز لیلاز توضیح می‌دهد که این دو حدود نیم قرن سابقه دوستی دارند و در جلسات خصوصی، همدیگر را با اسم کوچک صدا می‌زنند. از نظر او، وقتی پزشکیان در آن لحظه گفت: «جعفر ولش کن»، این جمله نه از موضع قدرت بلکه از جنس یک رفاقت قدیمی و صمیمی بود. او تأکید می‌کند که حتی در محافل خصوصی نیز قائم‌پناه، پزشکیان را «آقا مسعود» صدا می‌زند و این عمق رابطه‌شان را نشان می‌دهد. به اعتقاد او، نه در سخنان قائم‌پناه نشانه‌ای از تملق وجود داشت و نه رئیس‌جمهور از آن برداشت تملق‌آمیز داشت. اما حتی اگر این تفسیر از جمله «جعفر ول کن» به عنوان سرکوب تملق را بپذیریم، باز هم اشکالی ندارد. چراکه به گفته او، تملق یکی از معضلات مزمن و مزاحم فضای سیاسی و اداری ایران است و باید با آن مقابله کرد. او این اتفاق را فرصتی برای تقد تملق و تملق‌گویی در مناسبات رسمی کشور می‌داند. لیلاز در ادامه می‌گوید که بسیاری از سیاستمداران در برابر موج‌های فضای مجازی و افکار عمومی تسلیم می‌شوند و برای کسب محبوبیت به دام عوام‌گرایی می‌افتند. او می‌افزاید که بعضی جریان‌های سیاسی که امروز مدعی اصول‌گرایی‌اند، در واقع از اولین مرواجان پوپولیسم اقتصادی در دهه‌های گذشته بوده‌اند. به عنوان نمونه از طرح تثبیت قیمت حامل‌های انرژی در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۸۰ یاد می‌کند که آن را نمونه‌ای آشکار از تصمیم‌گیری پوپولیستی برای کسب رضایت عمومی در کوتاه‌مدت می‌داند. این کارشناس، رفتار پزشکیان را با رئیس‌جمهور سابق اروگوتنه مقایسه می‌کند که با وجود ساده‌زیستی واقعی‌اش، هرگز از این سبک زندگی برای کسب مشروعیت سیاسی سوء استفاده نکرد. در مقابل، او معتقد است پوپولیسم آنجایی خطرناک می‌شود که یک سیاستمدار، سبک زندگی یا رفتار شخصی‌اش را به عنوان ابزار کسب قدرت و رأی به فضای عمومی تحمیل کند و با دور زدن نهادهای رسمی از احساسات عمومی بهره‌برداری سیاسی کند. به باور او، پزشکیان نه‌تنها چنین کاری نمی‌کند بلکه به دلیل تربیت، منش شخصی و دوری از تشریفات از تملق و عوام‌زدگی بیزار است. لیلاز همچنین تأکید می‌کند که نباید با هر رفتار غیررسمی یا ساده به سرعت انگ پوپولیسم زد بلکه باید نیت و پیامد آن رفتار در چارچوب مناسبات قدرت بررسی شود. همچنین در پایان، لیلاز هشدار می‌دهد که نباید اجازه داد فضای رسانه‌ای، تفسیرهای سطحی و موج‌های اجتماعی، مسیر تحلیل‌های عمیق و منصفانه را منحرف کنند. او دفاع از پزشکیان را نه یک جانبداری سیاسی بلکه تلاش برای روشن کردن حقیقتی می‌داند که ممکن است در هیاهوی فضای مجازی گم شود.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

دولت زیر تیغ مجلس

وزرای نیرو، کشاورزی و اقتصاد مورد پرسش نمایندگان مجلس قرار گرفتند

گروه سیاسی: در واپسین روز کاری مجلس پیش از تعطیلات تابستانی، وزرای جهاد کشاورزی و اقتصاد در صحن علنی و غیرعلنی بهارستان حاضر شدند تا از عملکرد دولت در حوزه‌های کشاورزی و اقتصاد، به‌ویژه در دوران جنگ ۱۲ روزه، دفاع کنند؛ جلسهای که در سایه تلاش نمایندگان پایداری برای استیضاح وزیر نیرو و موج‌سواری سیاسی بر مشکلات معیشتی مردم، رنگ‌وبوی جدال سیاسی به خود گرفت. بنابراین در حالی که تنها چند روز از کارت زرد مجلس به وزیر فرهنگ و ارشاد دولت چهاردهم گذشته، موج جدیدی از تحرکات سیاسی به رهبری جریان پایداری در مجلس آغاز شده است. این بار، تیر پیکان به سمت نیرو نشانه رفته است. با جمع‌آوری بیش از ۱۰۰ امضا نمایندگان به‌دنبال استیضاح فوری او هستند. این تحرکات در فضایی رخ می‌دهد که دیروز دو وزیر کلیدی کابینه یعنی غلامرضا نوری‌قرلجه وزیر جهاد کشاورزی و علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد به همراه حمید پورمحمدی رئیس سازمان برنامه و بودجه در جلسات مجلس حاضر شدند تا پاسخگوی پرسش‌ها و چالش‌ها باشند. حضوری که هم حامل پیام شفاف‌سازی بود و هم نشانه‌ای از تشدید چالش‌های میان دولت و مجلس. با نگاهی به عملکرد یک ساله مجلس یازدهم در قبال دولت چهاردهم، می‌توان رد پای جریان‌ی مشخص (عمدتاً وابسته به طیف پایداری) را در بیش از نیمی از اقدامات نظارتی یافت. آنها که از نخستین روز تشکیل کابینه جدید، وزرا را به بهارستان فراخوانده‌اند این بار هم ترجیح دادند با استیضاح و کارت زرد به دولت فشار وارد کنند، آن هم درحالی که مسائل معیشتی مردم، از گرانی گازوئیل تا مشکلات کشاورزان، در پیچ‌وخم نطق‌های میان‌دستور یا پست‌های توییتری باقی مانده است.

بحران وزیر کشاورزی

جلسه علنی مجلس روز سه‌شنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۴ در ریاست محمداقصر قالیباف، فرصتی بود تا غلامرضا نوری‌قرلجه وزیر جهاد کشاورزی، پاسخگوی سوالات جدی و چالشی در نماینده شمال کشور باشد. عبدالجلال ابری نماینده بندرتکمن، بندرگز و کردکوی

ادامه تیتیریک

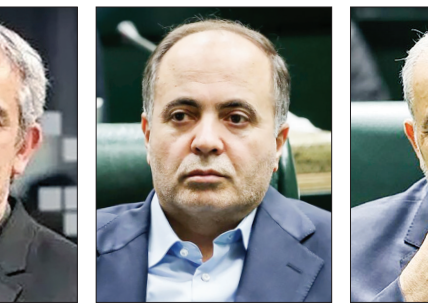
در کانون تصمیم‌سازی

در واقع، بازگشت لاریجانی پس از سال‌ها کناره‌گیری از مناصب اجرایی، به این جایگاه ویژه، را نمی‌توان صرفاً انتصابی فنی دانست. این انتصاب بازتابی از خواست تغییر در بدنه حکمرانی و نشانه‌ای از گرایش به سیاست‌ورزی معطوف‌تر، عقلانی‌تر و مبتنی بر تجارب گذشته است.

آیا تغییر مقدمه‌ای برای بازنگری در رویکردهای کلان است؟

با ورود علی لاریجانی به دبیرخانه شورای‌عالی امنیت ملی، دوره‌ای ۱۶ ساله احتمال اینکه این شورا با محوریت سعید جلیلی به پایان رسید. دوره‌ای که به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی و امنیتی با تأکید بر ایستادگی حداکثری، مقاومت و بی‌اعتمادی به غرب شناخته می‌شد. حال با بازگشت لاریجانی، این پرسش به‌صورت جدی مطرح است: آیا این تغییر، مقدمه‌ای برای بازنگری در رویکردهای کلان امنیتی جمهوری اسلامی خواهد بود؟ لاریجانی در سال‌های اخیر، نه‌تنها در مسائل سیاست خارجی بلکه در اصلاح ساختارهای حکمرانی نیز نظراتی صریح و کارشناسی شده، ارائه داده است. غلامعلی جعفرزاده‌ایمن‌آبادی، از نزدیکان سیاسی او، با اشاره به همین ظرفیت‌ها، تأکید کرده است که لاریجانی اگر رد صلاحیت نمی‌شد، می‌توانست کشور را بهتر اداره کند. به گفته او، تشکیل شورای دفاع کشور نیز بخشی از یک اصلاح ساختاری است که کشور به آن نیازمند است. هم‌زمانی این انتصاب با تأسیس نهاد جدید امنیتی – دفاعی، نشانه‌ای است از تلاش برای ایجاد هم‌افزایی در میان نهادهای ذی‌ربط و رسیدن به سازوکاری منسجم در حوزه سیاست‌گذاری کلان. به باور بسیاری از ناظران، حضور لاریجانی می‌تواند به عقلانیت بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها، بهره‌گیری از دیپلماسی هم‌زمان با قدرت دفاعی و پرهیز از تنش‌های غیرضروری در محیط بین‌المللی منجر شود. در تحلیل نهایی، ورود دوباره علی لاریجانی به یکی از حساس‌ترین نهادهای تصمیم‌سازی کشور صرف‌نظر از انگیزه‌های پشت‌پرده، بازتابی است از تحولی در نگرش حاکمیتی به مقوله امنیت. این بازگشت، پیام روشنی برای ناظران داخلی و خارجی دارد: نظام سیاسی ایران همچنان به بازیگران با سابقه، دارای پشتوانه

چهار سؤال مهم را با محوریت نبود سند راهبردی در حوزه دامداری سنتی، عدم تخصیص یارانه مناسب به دامداران سنتی، نبود اطلاعات دقیق و کاهش خرید تضمینی دولت مطرح کرد. در ادامه، رحمت‌الله نوروزی، نماینده علی‌آبادکتول نیز با لحنی انتقادی از وزیر پرسید: «آیا خبر دارید، گازوئیل با قیمت ۷ تا ۱۵



هزار تومان به کشاورز می‌رسد؟ بسیاری از چاه‌های کشاورزی به دلیل کمبود منابع، دچار بحران شده‌اند. آیا دولت برنامه‌ای جدی برای تأمین منابع الگوی کشت دارد؟» در نهایت، هر دو نماینده سؤال کننده به‌طور مشروط از پاسخ‌های وزیر قانع شدند. هرچند بسیاری از کارشناسان معتقدند، مسائل اساسی همچنان باقی مانده و نیازمند راهکارهای اجرایی و هم‌افزایی فرابخشی است.

روایت وزیر اقتصاد از دوران جنگ ۱۲ روزه

در کنار بررسی‌های علنی، روز سه‌شنبه صحن غیرعلنی مجلس نیز شاهد نشست‌ی جدی با حضور وزیر اقتصاد، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه و برخی نمایندگان دولت بود. محور این نشست، بررسی عملکرد اقتصادی دولت در دوران جنگ ۱۲ روزه اخیر بود؛ دوره‌ای که با حملات نظامی و تهدیدات امنیتی علیه کشور همراه بود. عباس گودرزی، سخنگوی هیات‌رئیسه مجلس، جزئیاتی از این نشست را رسانه‌ای کرد. به گفته او، در این جلسه، نمایندگان دولت گزارشی از اقدامات اضطراری ارائه کردند: از جمله تأمین فوری ۲۰۰ میلیون لیتر بنزین در روز نخست بحران، افزایش صددرصدی تخلیه کالا در بنادر، تداوم تأمین آرد و کالاهای اساسی و تشکیل چهار

فکری و معنطف در مواجهه با مسائل پیچیده، نیاز دارد. بازگشت لاریجانی به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی نه صرفاً یک تغییر مدیریتی بلکه نشانه‌ای از جابه‌جایی در توازن گفت‌وگو در درون ساختار حاکمیت است. پایان دوره جلیلی و آغاز دوره لاریجانی می‌تواند به معنای عبور از دوره‌ای با رویکرد تقابلی به‌سوی عقلانیت و واقع‌گرایی بیشتر باشد. روندی که البته باید دید در عمل تا چه اندازه به تغییر ملموس در سیاست‌گذاری‌های امنیتی و بین‌المللی منجر خواهد شد. آنچه مسلم است، علی لاریجانی اکنون با تجربه، پشتوانه و شناختی عمیق‌تر از دو دهه پیش به صحنه بازگشته و انتظارات بسیاری از او برای بازآفرینی یک راهبرد کلان و مؤثر در مدیریت امنیت ملی کشور وجود دارد.

از صدواسیمتا دبیرخانه شورا، کارنامه‌ای پر افت وخیز

مسیر علی لاریجانی در نظام سیاسی ایران، مسیری پرپیچ‌وخم و مملو از تغییر موضع، جابه‌جایی میان اردوگاه‌ها و مواجهه با بحران‌های گوناگون بوده است. متولد خانواده‌ای مذهبی و سیاسی، داماد شهید آیت‌الله مطهری و تحصیل‌کرده علوم کامپیوتر از دانشگاه صنعتی شریف، لاریجانی از همان نخستین سال‌های انقلاب در ساختارهای رسمی قدرت جای گرفت. از سپاه پاسداران تا وزارت ارشاد از ریاست صدواسیمتا نمایندگی مجلس، لاریجانی طی چهار دهه گذشته همواره در سطوح بالای حاکمیت حضور داشته است. اما مهم‌ترین سرفصل زندگی سیاسی او در سه مقطع رقم خورد: نخست، تصدی دبیری شورای‌عالی امنیت ملی در سال ۱۳۸۴، دوم، ریاست ۱۲ ساله بر مجلس شورای اسلامی و سوم، بازگشت به همان شورا در سال ۱۴۰۴. سال ۱۳۸۴ او به‌عنوان جایگزین حسن روحانی وارد دبیرخانه شورا شد و مسئول مستقیم مذاکرات هسته‌ای با طرف‌های اروپایی شد اما اختلافات شدیدتر او با محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت به استغفای زود هنگامش انجامید؛ استغفایی که آغاز فاصله‌گیری او از اصولگرایان تندرو و نزدیکی تدریجی‌اش به جناح‌های میانه‌رو و اصلاح‌طلب بود. بازگشت او در سال ۱۴۰۴ دقیقاً پس از دو دهه به

قرارگاه هماهنگی برای مدیریت شرایط بحرانی. همچنین دولت با تخصیص تنخواه به اورژانس، هلال احمر، وزارت بهداشت و استانداری‌ها تلاش کرده است تا در شرایط جنگی، خدمات‌رسانی عمومی را بدون وقفه ادامه دهد. در حوزه مالیاتی نیز معافیت‌ها و تعویق‌های مالیاتی برای حمایت از کسب‌وکارها در دستور کار قرار گرفت.

در بخش پایانی جلسه، رئیس مجلس و کمیسیون اقتصادی از تأخیر دولت در اجرای قانون «تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها» همچنین عدم شروع جدی برنامه هفتم توسعه گلایه کردند. به باور آنها، این دو سند راهبردی می‌تواند، ابزار کلیدی در مقاوم‌سازی اقتصاد کشور به‌خصوص در شرایط جنگ اقتصادی باشند.

پیامدهای سیاسی جلسه دیروز؛ استیضاح در راه است؟

در حالی که بهارستان از امروز به تعطیلات تابستانی دو هفته‌ای می‌رود اما فضای سیاسی آن همچنان داغ و ملبه‌است. به‌ویژه با حرکت نمایندگان برای استیضاح وزیر راه، می‌توان انتظار داشت که مجلس در بازگشت از تعطیلات با پرونده‌ای پر تنش و سنگین مواجه شود. تحرکات طیف پایداری برای فشار به دولت در حالی صورت می‌گیرد که هنوز بسیاری از مشکلات معیشتی، از کمبود نهاده‌های دامی تا بحران آبیاری و انرژی در کشاورزی، حل‌نشده باقی مانده است. این پرسش جدی‌تر از همیشه مطرح است: آیا اولویت مجلس یازدهم، اصلاح ساختاری در اقتصاد کشور است یا پیشبرد اهداف سیاسی جناحی؟

آنچه در جلسات روز گذشته مجلس رخ داد، تنها یک صحنه از پیچیدگی روابط میان قوه مجریه و مقننه بود. از یک سو، وزرای دولت تلاش می‌کنند، عملکرد خود را در شرایط سخت اقتصادی و امنیتی دفاع‌پذیر جلوه دهند و از سوی دیگر، نمایندگانی که بیشتر درگیر کشمکش‌های سیاسی هستند تا حل مسائل اساسی مردم. در چنین شرایطی، بازتعریف رابطه دولت و مجلس نه صرفاً در قالب تقابل و نظارت بلکه در قالب گفت‌وگوی مؤثر، همکاری هدفمند و اولویت‌بندی منافع ملی، ضروری‌تر از همیشه به‌نظر می‌رسد.

همان جایگاه قبلی، نشانه‌ای از چرخه پیچیده سیاسی در جمهوری اسلامی و زنده ماندن ظرفیت بازیگران قدیمی در بزنگاه‌های حساس است. یکی از مهم‌ترین نقش‌های تاریخی لاریجانی در ساختار قدرت، اداره مذاکرات هسته‌ای در سال‌های ابتدایی دولت احمدی‌نژاد بود. روایت‌های رسمی و غیررسمی از جمله سخنان خود او نشان می‌دهد که در آن زمان مذاکرات با اروپایی‌ها در آستانه توافق قرار داشت اما دخالت مستقیم احمدی‌نژاد و اعزام خودسرانه به نیویورک، روند گفت‌وگوها را بر هم زد و در نهایت منجر به استغفای لاریجانی شد. اختلاف لاریجانی با احمدی‌نژاد صرفاً یک نزاع شخصی نبود؛ آنچه میان این دو چهره برجسته نظام می‌گذشت، نشانه‌ای از دو رویکرد کاملاً متفاوت در مدیریت کشور بود: یکی مبتنی بر تفکر حساب‌شده، تدریجی و کارشناسی شده (لاریجانی) و دیگری با رویکردی شعاری، هیجانی و مبتنی بر تصمیمات لحظه‌ای (احمدی‌نژاد). این تمایز بعدها در دوران ریاست مجلس لاریجانی نیز بارها بروز یافت. لاریجانی طی ۱۲ سال ریاست بر مجلس شورای اسلامی در مواجهه با نیروهای تندروی اصولگرا از جمله جریان وابسته به آیت‌الله مصباح‌یزدی، بارها در موقعیت دفاع از میانه‌روی و تعامل با دولت قرار گرفت. در ماجرای تصویب برجام، او در برابر مخالفان افراطی ایستاد و حتی با عنوان «عامل تصویب ۲۰ دقیقه‌ای برجام» هدف حملات گسترده قرار گرفت. در دوران دولت حسن روحانی، گرایش لاریجانی به اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان آشکارتر شد. حمایت بخشی از این جریان‌ها از او در انتخابات مجلس و خبرگان، گویای این چرخش بود. اگرچه او هیچ‌گاه به‌طور کامل از دایره اصولگرایی خارج نشد اما بی‌تردید به یکی از چهره‌های شاخص جناح معتدل در ساختار جمهوری اسلامی تبدیل شد. در مجموع آن‌طور که تحلیلگران معتقدند، در نقطه‌ای حساس از تحولات امنیتی کشور، علی لاریجانی پس از سال‌ها دوری از مرکز قدرت، بار دیگر به یکی از کلیدی‌ترین نهادهای تصمیم‌ساز جمهوری اسلامی بازگشت: آن هم در جایگاهی که ۲۰ سال پیش ترک کرده بود. انتصاب او به‌عنوان دبیر شورای‌عالی امنیت ملی توسط رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان، تنها یک جابه‌جایی اداری نیست بلکه نشانه‌ای است از آغاز تحولی عمیق در رویکردهای کلان امنیتی و بازتعریف توازن نیروها در ساختار قدرت. بازگشت لاریجانی بیش از آنکه پایان یک غیبت باشد، می‌تواند آغاز عصری تازه در سیاست‌ورزی ایران تلقی شود.

فرمان اشغال

نتانیاہو در میانه مخالفت ارتش اسرائیل و جامعه ملل بر گسترش عملیات نظامی در غزه تاکید دارد

گروه بین الملل: پس از ایجاد بن‌بست در مذاکرات آتش‌بس غزه و آزادی گروگان‌ها، بسیاری از ناظران منطقه‌ای و تحلیلگران حوزه خاورمیانه بر این عقیده بودند که اسرائیل و شخص نتانیاہو سعی می‌کند تا وضعیت را به سمت عمیق‌تر کردن جنگ در غزه پیش ببرد؛ چراکه از یک سو او با فشار داخلی از سوی مقامات سیاسی برای به توافق رسیدن و ختم جنگ در غزه مواجه است و از سوی دیگر اعتراض و انتقادهای گسترده خانواده‌های اسرای اسرائیلی علیه او به بالاترین حد ممکن رسیده است. از منظری دیگر باید توجه شود که اتمام جنگ در غزه و اساساً آرام‌سازی در تمام جبهه‌ها، مساوی با پایان حیات سیاسی وی است؛ چراکه او چندین پرونده قضایی مفتوح موسوم به پرونده‌های ۲۰۰۰، ۳۰۰۰ و ۴۰۰۰ دارد که هر کدام توسط یک وکیل مدافع مجزا پیگیری می‌شود و عملاً ناظر بر اعمال سیاسی، اقتصادی و استفاده از اختیارات فرا قانونی نخست‌وزیر اسرائیل است. در این راستا یورونیوز و برخی دیگر از رسانه‌های منطقه‌ای و اسرائیلی گزارش داده‌اند که دفتر نخست‌وزیری اسرائیل شامگاه دوشنبه چهارم آگوست (۱۳ مرداد ۱۴۰۴) اعلام کرد که بنیامین نتانیاہو تصمیم به اشغال کامل نوار غزه و فعالیت نظامی در مناطقی که گروگان‌ها نگهداری می‌شوند را دارد. گفته شده که

نتانیاہو تأیید کرده، تصمیم به اشغال کامل نوار غزه، از جمله عملیات در مناطقی که گروگان‌ها در آنجا نگهداری می‌شوند، دارد و در پیامی مدعی شد که ما متعهد هستیم غزه را از استبداد این تروریست‌ها آزاد کنیم. این در حالی است که نتانیاہو اخیراً اعلام کرده بود که در هفته جاری با تشکیل جلسه کابینه امنیتی به ارتش اسرائیل دستوراتی خواهد داد تا چگونگی دستیابی به تمام اهداف سه‌گانه تعیین شده در نوار غزه (آن هم بدون استثنای) را مشخص کند.

مخالفت ارتش با نتانیاہو

در این راستا شواهد رسانه‌ای و اظهارات موجود نشان می‌دهد که ارتش اسرائیل با نتانیاہو بر سر هرگونه گسترش عملیات نظامی در غزه و اشغال این باریکه اختلاف نظر دارد. این شکاف تا جایی است که منابع نزدیک به نتانیاہو اعلام کردند که وی به ایال زامیر، رئیس ستاد ارتش اسرائیل پیشنهاد کرده در صورت مخالفت با طرح اشغال کامل غزه از سمت خود کناره‌گیری کند. این تنش‌ها در شرایطی اوج گرفته که تنها دقایقی پیش از انتشار پیام نتانیاہو، ارتش اسرائیل از اجرای تدابیری برای کاهش فشار از روی نیروهای نظامی خبر داد که لغو وضعیت اضطراری جنگی از هفتم

خاورمیانه

خلع سلاح سیاسی؟

دولت لبنان درباره خلع سلاح حزب‌الله در کاخ بعثدا تشکیل جلسه داد

گروه بین الملل: جندی پیش توماس باراک، فرستاده ویژه آمریکا در امور لبنان و سوریه به بیروت سفر کرد بود و در جریان دیدارش با مقامات این کشور، موضوع خلع سلاح حزب‌الله یا به عبارتی انحصار سلاح در اختیار دولت لبنان را مطرح کرده بود و در نهایت کابینه لبنان (سه‌شنبه) جلسه خود را با محوریت همین موضوع در کاخ بعثدا برگزار کرد. بسیاری اعتقاد دارند که این جلسه چالش‌برانگیزترین جلسه در رابطه با چالش حاکمیت، منافع ملی و امنیت ملی قلمداد می‌شود؛ چراکه از یک سو بحث اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ مطرح است و از سوی دیگر فشارهای ایالات متحده بر بیروت به بالاترین حد خود برای تقابل با حزب‌الله رسیده است. در همین حال روزنامه الاخبار لبنان اعلام کرد که تماس‌ها در تلاش برای ایجاد فرمول‌های توافقی و نجات‌بخش به منظور جلوگیری از فرو رفتن لبنان در هرج و مرج کامل قبل و حین جلسه افزایش یافته و این درحالی است که اختلاف نظر بر سر این موضوع که اول باید طرح ارائه شده از سوی توماس باراک، فرستاده ویژه آمریکا مد نظر گرفته شود یا طرح ارائه شده از سوی خود لبنان و اینکه اولویت با کدام است، همچنان پابرجاست.

همچنین منابع رسمی لبنانی به العربی الجدید گفتند که سند توماس باراک برای بحث ارائه خواهد شد و مواضع وزرا در مورد آن بدون اتخاذ موضع نهایی شنیده خواهد شد. این اقدامی برای خرید زمان و باز کردن در برای مشورت‌های بیشتر است. شورای عالی دفاع یا ارتش لبنان نیز موظف خواهند شد تا دیدگاه خود را در مورد مساله سلاح همچنین سایر پیشنهادهایی که موضع نهایی آنها هنوز مشخص نیست، تدوین کنند. این منابع اظهار کردند که تماس‌ها با همه طرف‌ها برای آرام کردن اوضاع در خیابان‌ها و جلوگیری از هرگونه سناریوی امنیتی تا لحظه برگزاری جلسه کابینه ادامه داشته و نیروهای امنیتی نیز تقش خود را در کنترل خیابان‌ها ایفا خواهند کرد. از سوی دیگر نبیه بری، رئیس پارلمان لبنان، رهبری تلاش‌ها برای متقاعد کردن حزب‌الله برای حضور در جلسه کابینه را بر عهده داشته، در حالی که اطمینان می‌دهد که هیچ تصمیمی در مورد سلاح یا جدول زمانی برای تحویل آنها گرفته نخواهد شد. بری همچنین اظهار کرده که مطابق با سخنرانی افتتاحیه رئیس‌جمهور ژوزف عون و بنیانه کابینه نخست‌وزیر نواف سلام، بر کنترل انحصاری سلاح‌ها توسط دولت تأکید خواهد شد همچنین او بر منافع عالی ملی و لزوم عقب‌نشینی اسرائیل از مواضع اشغالی و توقف حملات خود به لبنان تأکید دارد. در این خصوص روزنامه الاخبار لبنان نوشته که پاسخ باراک «حاوی همان اصول مندرج در سند لبنان



خارجه استرالیا اعلام کرد که این خطر وجود دارد که دیگر فلسطینی برای به رسمیت شناختن باقی نماند، آن هم در بحبوحه جنگ ویرانگر غزه و افزایش خشونت علیه فلسطینی‌ها در کرانه باختری. همچنین مایکل دی. هیگینز، رئیس جمهوری ایرلند از سازمان ملل متحد خواسته است تا اقدام فوری در غزه انجام دهد و از دبیرکل این نهاد خواسته‌تا با استناد به اختیارات مندرج در فصل هفتم منشور سازمان ملل از بن‌بست شورای امنیت عبور کرده و کمک‌های بشردوستانه را به غزه برساند. عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر هم (سه‌شنبه) ادامه مداخلات نظامی اسرائیل در غزه را نسل‌کشی دانست همچنین نیویورک‌تایمز به نقل از یک مسئول آلمانی نوشت فردریش مرس، صدراعظم آلمان چندین گفت‌وگوی تلفنی تند و خشم‌آلود با بنیامین نتانیاہو، نخست‌وزیر اسرائیل داشته و با همتایان خود در فرانسه، انگلیس و آمریکا در گفت‌وگویی خواهان اعمال فشار بر نتانیاہو شده است.

اروپا

نادیده گرفتن ترامپ

چرا پوتین بی‌توجه به اولتیماتوم آمریکا در اوکراین پیشروی می‌کند؟

نزاع سیاسی میان روسیه و آمریکا و هشدار ترامپ به پوتین در مورد تحریم مسکو به دلیل عدم پایان جنگ اوکراین بر خلاف تصور بسیاری از نخبگان و ناظران برای کرملین اهمیتی ندارد. رئیس‌جمهور روسیه به احتمال زیاد در برابر اولتیماتوم تحریمی ترامپ که مهلتش تا جمعه به پایان می‌رسد، تسلیم نخواهد شد و همچنان هدف خود برای تصرف کامل چهار منطقه اوکراین را حفظ کرده است. به گفته سه منبع آگاه از مذاکرات در کرملین، پافشاری پوتین بر ادامه جنگ ناشی از پاور او به پیروزی روسیه و تردیدش نسبت به تأثیرگذاری تحریم‌های بیشتر آمریکاست چراکه طی سه سال و نیم گذشته، موج‌های متعددی از تحریم‌های اقتصادی اعمال شده‌اند. پوتین نمی‌خواهد ترامپ را خشمگین کند و می‌داند که ممکن است فرصت بهبود روابط با واشنگتن و غرب را از دست بدهد اما اهداف جنگی‌اش را اولویت می‌دهد. هدف پوتین تصرف کامل مناطق دونتسک، لوهانسک، زاپوریژیا و خرسون در اوکراین است که روسیه آنها را متعلق به خود می‌داند سپس آغاز گفت‌وگو درباره توافق صلح.

روند کنونی مذاکرات که طی آن مذاکره‌کنندگان روس و اوکراینی از ماه مه تاکنون سه بار دیدار کرده‌اند، تلاشی از سوی مسکو برای قانع کردن ترامپ بوده که پوتین صلح را رد نمی‌کند. این منبع افزود که این مذاکرات، به‌جز مباحث مربوط به تبادل‌های انسانی، محتوای واقعی چندانی نداشته‌اند. روسیه می‌گوید در دستیابی به صلحی بلندمدت در مذاکرات جدی است اما این روند پیچیده است چون مواضع دو طرف بسیار متفاوت است اما پوتین هفته گذشته این مذاکرات را مثبت توصیف کرد.

منبع: رویترز



همچنین علی فیاض، عضو فراکسیون وفاداری به مقاومت در پارلمان لبنان در سخنانی اظهار کرد که حزب‌الله لبنان نسبت به تلاش‌هایی که ممکن است، بحران موجود را از چارچوب نزاع با اسرائیل به سمت درگیری‌های داخلی بکشاند، هشدار می‌دهد و تأکید می‌کند که بدترین سناریو، تبدیل مشکل از لبنانی- اسرائیلی به لبنانی- لبنانی است.

علی فیاض در جریان دیدار با جبران باسیل، رئیس جریان ملی آزاد لبنان تأکید کرد که انسجام موضع داخلی لبنان در برابر اسرائیل، به‌ویژه در خصوص الزام آن به خروج از خاک لبنان، توقف تجاوزات و آزادی اسرا، می‌تواند به عنوان راهی برای تدوین راهبردی جهت خروج از بحران فعلی عمل کند. وی با هشدار نسبت به خطرات فرافاتفه‌ای، گفت چالش‌هایی که کشور با آن مواجه است نه مختص به یک گروه است و نه محدود به یک منطقه؛ بلکه کل لبنان در معرض خطرات حاکمیتی و حتی وجودی قرار دارد.

این در حالی است که پهبادهای اسرائیل (سه‌شنبه) در ارتفاع پایینی در شماری از مناطق جنوب لبنان از جمله القاسمیه و الجوار پرواز و بمب‌های صوتی در این مناطق رها کردند. همچنین منابع لبنانی اعلام کرده‌اند که تاکنون ۴ هزار و ۲۴۷ مورد نقض آتش‌بس از سوی اسرائیل در قبال لبنان به ثبت رسیده است.



است اما بندهایش را برعکس چیده است. به این ترتیب که در پاسخ باراک، بند مربوط به خلع سلاح در اولویت قرار گرفته است و دو موضوع دیگر در ذیل آن آمده که شامل بررسی و حل و فصل موضوع خلع سلاح به عنوان شرط و دروازه‌ای برای ورود به هر چیز دیگری در اولویت قرار گیرد سپس مذاکرات با دشمن اسرائیلی تحت نظارت کشورهای ضامن برای حل تقاض مورد اختلاف و تعیین مرزها با اسرائیل همچنین با سوریه شروع شود. پس از آن بندهای مربوط به بررسی توقف تجاوز اسرائیل به لبنان، عقب‌نشینی دشمن از نقاط اشغالی در جنوب، آزادی زندانیان، بازسازی و کمک به لبنان برای خروج از بحران اقتصادی‌اش چیده شده است.

مخالفت حزب‌الله

در این راستا علی المقداد، عضو فراکسیون مقاومت در پارلمان لبنان هم در واکنش به این جلسه کابینه اعلام کرد که این جلسه نباید برگزار شود و هر کسی که خواستار خلع سلاح مقاومت در لبنان باشد با پروژه اسرائیلی- آمریکایی همسو است. نماینده پارلمان لبنان از جناح وفاداری به مقاومت به کانسال ان.بی.ان تأکید کرد که خلع سلاح، باری طولانی بر دوش است و تصمیم بر اساس پاسخ دریافتی از نبیه بری، رئیس پارلمان و حزب‌الله گرفته خواهد شد.

گفت‌وگو: اسطوره شناسی

رمزپرداز داستان‌های کهن

روایت ابوالقاسم اسماعیل‌پور

از اهمیت و کارنامه جلال ستاری



جلال ستاری (۱۴۰۰ – ۱۳۱۰) یکی از پژوهشگران و مترجمان تأثیرگذار بر هنر و ادبیات ایران بود. ترجمه‌ها و کارهای پژوهشی ستاری در زمینهٔ اسطوره‌شناسی و معرفی رویکردهای مدرن در این حوزه، رویکرد و نگاه تازه و متفاوتی به اسطوره را در ایران گشود و چشم‌اندازی نو را در زمینه درک اسطوره‌ها پدید آورد. نقد ادبی و هنری با نگاه اسطوره‌ای و برپایهٔ کهن‌الگوها دستاوردی بود که با آثار پژوهش‌گران و مترجمانی چون جلال ستاری در ایران پا گرفت و جا افتاد. حیطهٔ کار فرهنگی ستاری البته به اسطوره‌پژوهی خلاصه نمی‌شود اما معرفی نقد اسطوره‌ای از طریق ترجمه و نشان دادن کاربرد آن در تحلیل آثار هنری و ادبی کلاسیک و معاصر ایران قطعاً مهم‌ترین دستاورد او در حوزه فرهنگ است. خبرگزاری ایبنا به بهانه زادروز جلال ستاری در ۱۴ مرداد، در گفت‌وگو با ابوالقاسم اسماعیل‌پور، که او هم از اسطوره‌پژوهان برجسته است، به بررسی کارنامهٔ فرهنگی جلال ستاری، به‌ویژه در حوزه اسطوره‌پژوهی، پرداخته و اسماعیل‌پور دستاوردهای ستاری در این حوزه را مرور کرده است. اسماعیل‌پور دربارهٔ ارتباط و تعاملاتش با ستاری می‌گوید: «من به مدت سه ماه، هر شب هم صحبت ستاری بودم که حاصل آن گفت‌وگوها را در کتاب «اسطوره و نماد در ادبیات و هنر» گرد آورده‌ام. در یکی از شب‌ها به من گفت: اگر می‌خواهی نویسنده بشوی باید نوشته‌هایت را دور بریزی و از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب ایران را زیوررو کنی تا بدانی در چه جامعه‌ای هستی. و به عنوان نمونه اشاره کرد که ماه‌ها با شتر در کویر بوده و از نزدیک زندگی ساکنان آن منطقه را دیده است.

دو دیدگاه تازه ستاری در زمینه اسطوره‌شناسی

اسماعیل‌پور دربارهٔ وجه تمایز تحقیقات او با تحقیقات دیگر اسطوره‌پژوهان ایرانی می‌گوید: «ستاری از حدود ۵۰ سال پیش، یعنی از دهه‌های ۵۰ و ۶۰ شمسی به طور بنیادی مطالعهٔ خود را دربارهٔ اساطیر و رویکردهای جدید به اسطوره آغاز کرد. او آثار بسیاری را از پژوهش‌گران غربی ترجمه کرده است. البته یکی از وجوه مهم کار ستاری که او را از دیگران متمایز کرده آن است که دیگر اسطوره‌شناسان، اغلب تنها دربارهٔ مکاتب و اساطیر ایران باستان تحقیق کرده‌اند ولی ستاری علاوه بر پژوهش در اسطوره‌های باستانی، دو دیدگاه جدید را نیز در زمینهٔ اسطوره‌شناسی و نقد اسطوره‌ای ارائه داد که حتی از نظرگاه غربیان پنهان مانده بود. ستاری معتقد به بررسی اسطوره‌های زنده بود؛ یعنی اساطیری که در دوران معاصر در ایران و جوامع شرقی و آفریقایی زنده هستند و مردم با آنها زندگی می‌کنند. مانند اسطوره‌های نجات‌بخش و به نوعی همان منجی در آیین‌های مختلف که اسطوره زنده به شمار می‌رود و نیز اسطوره شهید که با این‌که شهادت در تاریخ واقعاً رخ می‌دهد ولی مردم نگاهی مقدس‌گونه و اسطوره‌ای به آن دارند. دیدگاه دوم نیز اعتقاد به وجود اسطوره در هنر و ادبیات ایرانی و بررسی آن در میان آثار عطار، سهروردی و دیگران بوده است. نگاه به این دو دیدگاه خاص و نظر به‌پردازی‌هایی که ستاری داشته، ثابت می‌کند این ادعا که در میان ایرانیان اسطوره‌شناس نمی‌توان یافت، اشتباه است. بی‌شک مهرداد بهار و جلال ستاری دو اسطوره‌شناس واقعی و به تمام معنا هستند.

تأثیر ستاری بر نقد ادبی ایران

اسماعیل‌پور دربارهٔ تأثیر ستاری بر نقد ادبی ایران هم می‌گوید: «جلال ستاری حدود ۱۰۰ عنوان کتاب تألیف و ترجمه کرده است. عمدهٔ فعالیت او در حوزهٔ پدیدارشناسی اسطوره و ترسیم چشم‌انداز اسطوره در حیات ادبی بوده است. تمام مکاتب اسطوره‌ای جهان را می‌شناخته و در حوزه‌های روان‌کاوی اسطوره و جامعه‌شناسی اسطوره صاحب‌نظر بوده است. او تنها اسطوره‌شناس نبود بلکه با مطالعات عمیقی که در حوزهٔ رمزپردازی در داستان‌های کهن داشت توانست راهگشای نویسندگان و هنرمندان در خلق آثار ادبی و هنری برجسته باشد. ستاری با مطالعه در رویکردهای نقد اسطوره‌ای کهن‌الگویی و نمادشناسانه باعث شد، رویکرد جدیدی در نقد ادبی داشته باشیم و می‌توان او را پیش‌رو در مطالعات نقد اسطوره‌ای در تاریخ نقد ادبی ایران دانست. نقد اسطوره‌ای تنها به اساطیر باستان اختصاص ندارد و هر اثر ادبی و هنری که نمادپردازانه و دارای روایت باشد در بردار چراکه این موارد اسطوره‌های عصر جدید هستند و در ادبیات و انواع هنر‌ها تجلی دارند. نقد اسطوره‌ای به نحوهٔ اسطوره‌پردازی پسامدرن می‌پردازد. به عنوان نمونه می‌توان از «بوف کور» صادق هدایت به عنوان شاهکاری که قابلیت نقد اسطوره‌ای دارد، یاد کرد چراکه مملو از نمادهای کهن است.» اسماعیل‌پور دربارهٔ نقش جلال ستاری در کم کردن فاصلهٔ سطح مطالعات اسطوره‌شناسی در ایران با مطالعات غربی در این حوزه می‌گوید: «درست است که مطالعات اسطوره‌شناسی در غرب سابقهٔ ۲۰۰ ساله دارد و ما کمی از قافله عقب مانده‌ایم اما پژوهش‌گرانی چون ستاری باعث شده‌اند شاهد تحولات مثبتی در این زمینه باشیم. استاد ستاری دو راه پیش پای هنرمندان و نویسندگان ایرانی باز کرد؛ یکی این‌که به آن‌ها کمک کرد، اسطوره‌های وطنی را بشناسند و آن‌ها را در آثار مدرن و پسامدرن به کار ببرند. در این زمینه می‌توان به کتاب «افسون شهرزاد» اشاره کرد که دربارهٔ «هزارویکشب» است. او هم چنین کتاب‌های بسیاری در حوزه اسطوره‌شناسی ادبیات کهن در آثار شاعران و نویسندگان مختلف نوشته که از جمله آن‌ها می‌توان به مطالعاتش در حکایات عطار و سهروردی اشاره کرد. بسیاری از نویسندگان ما نظر به‌های غربی را می‌شناسند ولی به اسطوره‌های ایران کم‌توجه هستند. دستاورد دیگر ستاری برای هنرمندان و نویسندگان ایرانی این بود که به آن‌ها آموخت رویکردهای جدید نقد در غرب را بشناسند.»

تازه‌های ادب و هنر

کافه

آینده‌سازی در نشر

نظرات عبدالحسین آذرنگ دربارهٔ الزامات تحول در صنعت نشر

در دوازدهمین روز از مرداد ۱۴۰۴ مدیرعامل خانهٔ کتاب و ادبیات ایران میزبان عبدالحسین آذرنگ، نویسنده، پژوهش‌گر، مترجم و ویراستار بود و با او درخصوص کارهای تحقیقاتی صنعت نشر به گفت‌وگو نشست.

خمیرمایه‌ای برای نجات صنعت نشر

مدیرعامل خانهٔ کتاب و ادبیات ایران در این دیدار به خلأهای تحقیقات موجود در صنعت نشر اشاره کرد و گفت: «این خلأ‌ها بسیار جدی است و لازم است، توجه ویژه‌ای به آن‌ها صورت گیرد. به عنوان مثال در هیچ کدام از بخش‌های صنعت نشر چون تولید، توزیع، ویراستاری، کتاب‌فروشی و... فعالیت‌های تطبیقی و پژوهشی بنیادی انجام نشده است. شاید آثار یا پژوهشی کم و بیش وجود داشته باشد اما کار اساسی و درخوری تاکنون انجام نشده و نمی‌توان به آن‌ها ارجاع داد. هم‌چنین در ایران هیچ نشریه تخصصی در حوزهٔ صنعت نشر وجود ندارد که بتوان به‌عنوان مرجع علمی به آن استناد کرد. مطالعات تطبیقی و کارهای پژوهشی در حوزهٔ نشر، خمیرمایه فعالیت‌های ماست که خط مشی را نشان می‌دهد؛ از این‌رو باید به سمت پژوهش‌های صنعت نشر رفت تا الگویی عملی از درون آن استخراج شود. به‌عنوان مثال، تحولات فناوری و تأثیر آن بر صنعت نشر به ویژه هوش مصنوعی ازجمله مواردی است که باید پژوهش‌ها و مطالعات دقیقی در خصوص آنها انجام شود.» حیدری در بخش دیگری از سخنان خود صنعت نشر کشور را نیازمند بازتعریف دانست و با اشاره به لزوم تقویت ارتباط فعالیت‌های کاربردی با بخش پژوهشی، گفت: «در صنعت نشر، لایه‌های مختلفی چون مخاطب، کتاب‌فروش، ناشر، موزع، نویسنده

فیلم ایرانی

تلاش برای رفع تبعیض

نگاهی به فیلم زن و بچه ساخته سعید روستایی

فرزانه متین

گروه سینما و تلویزیون

پس از سال‌ها سرانجام سینمای ایران در حال چشیدن طعم آثار اجتماعی است. مخاطب همیشه مطالبه‌گر این نوع فیلم‌ها بوده است اما مدیران دولت قبلی سعی کرده‌اند با روانه کردن فلم‌ای فیلم‌های کم‌مدی، ذائقه مخاطبان را عوض کنند که البته فروش فیلم‌های اجتماعی نشان می‌دهد در این امر ناکام ماندند. جرقه این اتفاق با فیلم‌های «رها» و «بی سر و صدا» زده شد و با اکران و فروش بالای «پیر پسر» و «زن و بچه»، مهر تأییدی بود بر مطالبه سینمادوستان. سینمای اجتماعی اکنون از بیانی‌های مستقل فراتر رفته و به ابزار مقاومت و گفت‌وگو تبدیل شده است. مخاطب تشنه آثاری است که در بطن جامعه با آن دست و پنجه نرم می‌کند و پا صداهای خاموش را می‌خواهد، بشنود. تماشاگر به دنبال فیلم‌های قصه‌گوست چراکه می‌داند، سینمای ایران حالا حالا‌ها در روایت رنج‌های واقعی و بی‌صدا، حرف‌های تازه دارد و از این روست که روایت غمناک و تراژدی «زن و بچه» این چنین خواستار دارد. «زن و بچه» چهارمین اثر از کارگردان مستعد جوان کشور، «سعید روستایی» است. وی پیش از این با فیلم‌هایی چون «ابد و یک روز»، «متری شش‌ونیم» و «برادران لیلا» شناخته شده بود هر چند که «برادران لیلا» هرگز اکران نشد و به صورت اینترنتی در دسترس مخاطبان قرار گرفت. لحن روستایی در سه فیلم اخیرش خشن، تند و تیز است اما در«زن و بچه» لحنی آرام اما گرنده را در پیش گرفته است. او در « ابد و یک روز» و «متری شش و نیم» به معضلات اجتماعی پرداخت و در«برادران لیلا» بر تبعیض و عدالت تمرکز داشت «لیلا» با بازی «ترانه علیدوستی» خواستار رفع این تبعیض‌ها برای زندگی بهتر خود و برادرانش بود و در مرکز داستان قرار داشت، همان‌طور که «مهناز» با بازی «پریناز ایزدیار» در مرکز ثقل روایت تازه‌اش است. «زن و بچه» مانند سه اثر قبلی

«روستایی»، کوبنده و قوی نیست و در آثار متوسط قرار می‌گیرد چراکه فیلمنامه از بخش‌های میانی، انسجام خود را از دست می‌دهد و مانند پرده اول به جزئیات، شخصیت‌پردازی‌ها و محتوای آن تأکید نمی‌کند و از اینجاست که فیلم ضربه می‌خورد اما «سعید روستایی» در اثر آخرش جدا از هرگونه تدروی‌هایی که علیه او صورت گرفته، زنی را به تصویر درمی‌آورد که خواهان عدالت در ساختار مردسالارانه است و نمی‌تواند با خیانت مبارزه کند و این درد اکثر زنانی است که در این چارچوب زندگی می‌کنند اما «مهناز» تصویر زنی مستقل و جسورانه‌ای از مقاومت زنانه را به نمایش می‌گذارد. در این اثر، ترکیبی از بازیگران مطرح به چشم می‌خورد که برخی از آنها در فیلم‌های پیشین با «سعید روستایی» همکاری داشته‌اند؛ «پیمان معادی»، «پریناز ایزدیار»، «حسن پورشیرازی»، «فرشته صدرعرفایی»، «سها نیاستی» و «سحر گلدوست».

«زن و بچه» ابتدا در جشنواره کن امسال به نمایش درآمد و پس از پایان نمایش ۱۳ دقیقه با تشویق ایستاده روبه‌رو شد. اکثر منتقدان بر این باور بودند که «زن و بچه» فیلمی تکان‌دهنده، پرتش و تأثیرگذار است و بعضی هم تأکید داشتند «زن و بچه» یک اثر بی‌رحم اما انسانی است.

«مهناز» با بازی «پریناز ایزدیار»، پرستار ۴۰ ساله‌ای است که همسرش را از دست داده و دو فرزند دارد، دختری ۸ ساله به نام«ندا» و پسرِی نوجوان و شر به نام «علیار». مهناز در آستانه ازدواجی تازه با «حمید» با بازی «پیمان معادی»، راننده آمبولانس که خوش‌مشرب و به ظاهر دلباخته است. «مهناز» در شب خواستگاری بنا به خواست «حمید»، دو فرزندش را باید از چشمان خانواده نامزدش دور نگه دارد. آنها را به پدربزرگ‌شان می‌سپارد. شب خواستگاری، «حمید» دلباخته خواهر جوان‌تر «مهناز» به نام «مهری» می‌شود و به تدریج یک‌سری اتفاقات تلخ، سلسله‌وار رخ می‌دهد.

«زن و بچه» نه قهرمان دارد و نه ضد قهرمان بلکه مهناز به عنوان زنی دردمند و زخم خورده را خاکستری نشان می‌دهد که حاضر نیست خود را مقصر مرگ فرزندش بداند و اینکه در تربیت او

 شهرداری اصفهان	
 مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) فراخوان یک مرحله‌ای	
مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند مواعد زمانی: – تاریخ انتشار فراخوان: ****۰۵/۱۵/۱۴۰۴ – مهلت دریافت اسناد فراخوان: تا ساعت: ****۰۵/۲۵/۱۴۰۴ – مهلت ارسال پیشنهادات: تا ساعت: ****۰۶/۰۸/۱۴۰۴ – زمان بازگشایی پاکت ارزیابی: ساعت: ****۰۶/۰۹/۱۴۰۴ • نوع و مبلغ تضمین در شرایط شرکت در مناقصه تعیین گردیده است. • آدرس دستگاه: اصفهان – خیابان آیت ا... شمس آبادی ، کوچه شماره ۲۳ ، معاونت خدمات شهری شهرداری اصفهان اطلاعات تماس: ****۰۳۱۳۲۲۴۱۸۶۰ – ****۰۳۱۳۲۲۴۱۸۷۰-۰۳۱۳۲۲۴۱۸۷۰	
شهرداری اصفهان	

گزارش: سینمای جهان

**تاییدیہ شعام
بر مصاحبہ عراقچی**

جواد موگویی برخلاف اطلاعاتی صدا و سیما تاکید کرد پخش مصاحبه با هماهنگی صورت گرفت

حواشی پخش نشدن گفت‌وگوی وزیر امور خارجه از تلویزیون همچنان ادامه دارد. برنامه تلویزیونی «ماجرای جنگ» که در هر قسمت شامل یک گفت‌وگوی صریح با مقامات ارشد نظامی و سیاسی کشور بود حالا حدود یک هفته پس از پخش همچنان محل بحث قرار دارد و واکنش‌های فراوانی برانگیخته است.

سه روز پیش روابط عمومی معاونت سینما در اطلاعیه‌ای رسمی، تنها علت پخش نشدن این برنامه را از قاپ صداوسیما، اجرا نشدن اصلاحات مد نظر دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی اعلام کرده و هرگونه ارتباط میان ادامه نیافتن تولید و انتشار برنامه در فضای مجازی با سازمان صداوسیما را رد کرده است.

این در حالی است که جواد مگوگی، مجری «ماجرای جنگ» به طور تلویحی، تعطیلی آن را به سلیقه افراد با طیف‌های از سازمان صداوسیما نسبت داده و در صفحه شخصی خود نوشت: آنتن تلویزیون را که به رویش بستید حتی در نت هم تحملش نکردید! برنامه‌ای که ظرف چند روز میلیون‌ها نفر مخاطب پیدا کرد. به همان دوقطبی‌سازی در تلویزیون ادامه دهید... «ماجرای» می‌خواست «تولید قدرت» کند. تکلیف شبهات و سوالات جنگ را روشن کند و غبار پزید از تفرقه‌افکنی شما. اما حیات شما در غبار آلودگی است، نه شفاف‌سازی. نفع شما در پاسخ ندادن به سوالات و پایگانی کردن حقایق است و تصویرسازی پنهان «شکست» از این جنگ! چرا؟ چون پیروزی در این جنگ، یعنی قدرتمندی وضع موجود و این خلاف راهبرد پنهان حاکم بر صداوسیماست. چقدر کودکانه است که ما را رقیب خود در «گفت‌وگو ویژه خبری» دانستید! نام خود را گذاشته‌اید «هسته سخت‌نظام» ولی! سخت در پی دوگانه‌سازی در کشورید و این تنها اندوخته‌تان برای انتخابات آینده است. بر اساس روایت روابط عمومی معاونت سیما، روشن نیست چطور نظر دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی باعث پخش نشدن قسمت دوم «ماجرای جنگ» از تلویزیون شد ولی مانع پخش همین برنامه از طریق رسانه تصویری «آن» نشد. حالا مگوگی در پاسخ به اطلاعیه معاونت سیما توضیح داد که پخش این قسمت نیز با هماهنگی و تأیید «دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی» منتشر شده است. او در صفحه اجتماعی خود چنین نوشت: «پس از تولید دو قسمت از برنامه «ماجرای جنگ»، برنامه طبق روند مرسوم به شبکه ۳ صداوسیما جهت پخش ارایه شد. قسمت اول (گفت‌وگو با سردار وحیدی) پس از اعمال اصلاحیه‌های مدنظر صداوسیما پخش شد. پس از ورود مستقیم ریاست سازمان در نظارت بر برنامه به رغم فرصت چند روز بازمینی قسمت دوم (دکتر عراقچی) از سوی ریاست محترم هیچ اصلاحیه‌ای به سازندگان برنامه ارایه نشد. سرانجام پس از تعلل چند روزه، با اطلاع به ریاست سازمان، تصمیم به ادامه پخش برنامه در فضای مجازی گرفتیم و قسمت دوم در هماهنگی و با تأیید «دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی» منتشر شد. جای تاسف است که مردم از تماشای گفت‌وگو وزیر خارجه از سیمای جمهوری اسلامی محروم شدند.

اما یک سوال ذهن مرا مشغول کرده!

اگر قرار به پخش در شبکه ۳ نبود، چرا هم اکنون ایلکیشن «ایران صدا» متعلق به صداوسیما، صوت گفت‌وگو را در صفحه خود منتشر کرده؟! چرا از همان اول در شبکه ۳ منتشر نکردید؟! تا هم خودتان و هم میلیون‌ها مخاطب را به زحمت نیندازید! حال که با «صدای» وزیر خارجه مشکل ندارد، خوب «تصویرش» را هم پخش کنید؟! چه اشکالی دارد؟! «ماجرای جنگ» محصول حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در دو قسمت نخست، گفت‌وگوهای جواد موگویی مستندساز را با احمد وحیدی و مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران و عباس عراقچی، وزیر امور خارجه به نمایش می‌گذاشت ولی پس از پخش قسمت اول در روز دوم مرداد ماه، قسمت دوم با وجود چند بار تعویق پخش در نهایت به آنتن نرسید و از طریق تلویزیون اینترنتی متعلق به سازمان تبلیغات اسلامی پخش شد. در هفته‌های گذشته پخش تلویزیونی چند گفت‌وگوی تحلیلی و شفاف مانند گفت‌وگوی تبیینی علی لاریجانی در تلویزیون، توجهات زیادی را به سمت این رسانه جلب کرده و بازخوردهای مثبت فراوانی داشته؛ برنامه‌هایی که بسیاری معتقدند باید بیش از اینها روی آنتن تلویزیون برود تا در خنثی‌سازی جنگ روانی دشمن علیه کشورمان تاثیرگذار باشد. پس از پخش گسترده بخش‌هایی از اظهارات مهم عراقچی در یکسوی، در روز اخیر بریده‌هایی از صحبت‌های علی‌اکبر صالحی، رئیس سابق سازمان انرژی اتمی با یک برنامه اینترنتی نیز در شبکه‌های اجتماعی باتازات قابل توجهی داشته است. عده‌ای از منتقدان بر این باورند، شمار گفت‌وگوهای مهم شبکه‌های تلویزیون درباره جنگ با رژیم صهیونیستی به قدر کافی نبوده و رسانه ملی از ظرفیت بیشتری برای خلق محتوای تاثیرگذار در این باره برخوردار است که همچنان می‌تواند به کار گرفته شود.



لزوم تشکیل هسته پژوهشی و اتاق فکر اشاره و تأکید کرد: «باید اولویت‌ها را شناسایی و آن‌ها را به مضمون تبدیل کرد و محصول آن را در قالب مقاله، کتاب و... منتشر ساخت. ابتدا نیز باید افراد متخصص در دور هم جمع و بعد موضوعات را مشخص کرد. در حوزه مخاطب‌شناسی نیز می‌توان از استادان جامعه‌شناسی کمک گرفت.» عبدالحسین آذرنگ در پایان گفت: «می‌توان با بررسی شبکه‌سازی و توزیع دیگر کسب‌وکارها، راه‌های موفقیت‌شان را یافت و به‌عنوان الگو در صنعت نشر مورد استفاده قرار داد. انبارداری، حسابداری نشر و... نیز جزء مواردی است که خلأهایی در حوزه پژوهش آن دیده می‌شود. باید برجسته‌ترین استادان این حوزه را گرد هم آورد تا در این زمینه‌ها تألیف کنند که کارآمد باشد. به صورت کلی نشر بر سه پایه پدیدآور، ناشر و مخاطب استوار است و باید این سه را با هم بررسی کنیم و از سویی نیز توازن بین آن‌ها برقرار شود.»

است. نه «مهنزار» و نه زنان دیگر قدرتی برای تغییر این ساختار ندارند از این رو «مهنزار» نماینده زنان داغ‌دیده، دردمند و خشمگین امروزی است و به همین دلیل ساکت نمی‌ماند. او انتقامش را از ناظم مدرسه و «حمید» می‌گیرد و در سکانسی می‌خواهد، جان پدر بزرگ را که به لوله‌های اکسیژن در بیمارستان متصل است، بگیرد.

«سعید روستایی» بر خلاف سه اثر قبلی‌اش، چندان فرم را رعایت نکرده است. دوربین وی فقط در پرده اول جاندار و کوبنده است. صحنه‌ها در این بخش همراه با جزئیات دقیق و یک کارگردانی مهندسی شده، جلو می‌رود اما در پرده‌های بعدی، «روستایی» محتوای را فدای فرم کرده، کاملاً در خدمت درام است و صحنه‌های پر تنش را به نمایش می‌گذارد. او به نقد نظام آموزشی، ساختار قضایی و فضای مدرسه‌سالانه می‌پردازد.

مهم‌ترین مشکل اصلی فیلم همان‌طور که ذکر شد، فیلمنامه است که در برخی سکانس‌ها انسجام روایی خود را از دست می‌دهد. «زن و بچه» می‌خواهد، موضوعات متعددی از نظام آموزشی، بلوغ، عدالت، خیانت و خانواده را در یک اثر ۱۵۰ دقیقه‌ای را نشان دهد در نتیجه فیلم پاره پاره می‌شود؛ به طور مثال «مهری» خواهر «مهناز» تصمیم حقارت‌آمیزی می‌گیرد؛ او درست نقطه مقابل خواهرش است و دلیل دلباختگی به مرد شارلاتانی چون «حمید» دور از عقل است یا اینکه برخی از شخصیت‌ها منطق رفتاری ندارند مانند مادر «مهری» و «مهناز». داستان فیلم که حجم است در صورتی که «روستایی» به عنوان کارگردان صاحب نام و سبک، قابلیت آن را دارد که فیلمنامه‌اش محکم و بیرواقرص‌تر باشد.

با اینکه «زن و بچه» اثری متوسط نسبت به آثار قبلی سازنده است اما او به خوبی توانست، زن را پس از چند دهه دوباره در ثقل یک داستان بگنجاند و مخاطب را با سیر تحول او روبه‌رو کند. مهناز در ابتدا زنی خام به شمار می‌آید و با اینکه در جامعه فردی مستقل بود که زندگی خود و در فرزندش را به دوش می‌کشید اما بعد از خیانت «حمید» و مرگ فرزندش، زنانه‌گی او تازه بیدار می‌شود اما نه در شکل و شمایل زن اغواگر بلکه زنی مطالبه‌گر که اهل تسلیم شدن نیست. از این روی می‌توان با فراز و فرودهای هر چند غلط کاراکتر «مهناز»، همذات‌پنداری کرد. او نه قربانی خشونت فیزیکی بلکه قربانی خشونت روانی و روحی شده است. این ساختار روایی تک‌خطی اثر بیش از هر چیز مدیون شخصیت‌پردازی‌های قوی در فیلم است. «سعید روستایی» در این زمینه کار می‌نکند، کاراکترها به خصوص «مهناز» و «حمید» نسبت به سایر شخصیت‌ها عمق دارند. بازی «پرناز ایدزبان» به شدت چشمگیر و برگ‌برنده فیلم محسوب می‌شود. دیالوگ‌ها از جان برخاسته می‌شود. از لحاظ بصری، زیباشناختی هم به لحاظ ریتم و ضرابانگ فیلم دچار افت نمی‌شود. «زن و بچه» را باید یکی از آثار روانکاوانه زنان در سینمای ایران دانست.



گوتهای کرده است. او ابتدا زنی ساده و به قولی سبک مغز است که می‌خواهد با «حمید» که مردی زبان‌باز و خلافکار است، ازدواج کند. حتی از سوی همکارش هم به او هشدار داده می‌شود اما او به پاره دادن آنان به مراسم خواستگاری، فرزندش را به سلاح‌خانه می‌فرستد و حالا درصدد انتقام از ناظم مدرسه، «حمید» و پدر بزرگ «علیار» است. «روستایی» در این مقطع به قوانین ضد زن اشاره دارد اما قوانینی که وکیل برای «مهناز» روشن می‌کند، ربطی به زن‌ستیزی ندارد و نمی‌توان در زمره قوانین مردسالاری شمرد. اینکه جرمی صورت نگرفته و فرزند به دلیل تدد خوبی و یا کمک زدن پدر بزرگ، خود را به کشتن می‌دهد، در هیچ کجای قانون کیفری این مساله، جرم محسوب نمی‌شود پس تقای «مهناز» به عنوان مادر در اینجا بی‌معناست. از سوی دیگر ولی‌دم چه زن باشد و چه مرد، هر زمان که بخواهد، حضانت را می‌تواند از والد سلب کند اما چون «حسن پورشیرازی» به تحریک «حمید» می‌خواهد این کار را انجام دهد، امری زن‌ستیزانه به نظر می‌رسد اما قانون علیه زن حکم نمی‌کند و از این رو در اینجا ی داستان بیننده با روایتی غلوآمیز روبه‌رو می‌شود. با این حال هر اثری که در اعتراض زنان در جامعه سنتی و مردسالاری به تصویر کشیده شود، ارزشمند و درخور شایسته



شرکت ملی گاز ایران
شرکت مابین گاز پارس جنوبی و آسیای خاکی

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی یک مرحله ای

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید:

شماره آگهی ۹۹۷۳۶۴

نوبت دوم

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۴۰۹۷۶۸۴۰۰۰۰۲۸
شماره مناقصه	۱۴۰۴/۱۰/۵۲
موضوع مناقصه	نوسازی و بازسازی خطوط لوله و مخزن زیرزمینی واحد بار یافت گوگرد پالایشگاه دهم مجتمع گاز پارس جنوبی
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	پس از اتمام مرحله ارزیابی صلاحیت، مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار به میزان ۳۰.۸۶۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال می باشد.
نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۱۳۴۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹/ت مورخ ۹۴/۱۰/۲۲ هیات وزیران می باشد. تبصره: در صورت ارائه تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار به صورت وجه نقد، مبلغ نقدی می بایست به حساب شماره ۷۰۰۱۰۹۸۵۰۲۱۷ بانک ملی ایران شعبه کنگان / کد ۷۲۲۴ و واریز و فیش واریزی ارائه گردد.
مبلغ برآوردی مناقصه	ریال ۶۸۷.۸۰۲.۹۸۳.۶۰۰
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی مناقصه در سامانه ستاد	۱۴۰۴/۰۵/۱۸
آخرین مهلت بازگذاری و ارسال کلیه مستندات ارزیابی کیفی، (رزومه) در سامانه ستاد	۱۴۰۴/۰۶/۰۳
آخرین مهلت بازگذاری پیشنهادات مالی در سامانه ستاد	مطابق با برنامه زمان بندی اعلام شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) می باشد.
آدرس مناقصه گذار	استان بوشهر، کنگان، سایت منطقه دو ویژه اقتصادی انرژی پارس، پالایشگاه دهم (فاز ۱۹)، ساختمان ادعین، دفتر خدمات پیمانها ۰۷۷۳۱۴۶۶۳۲۱

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می پذیرد و پیشنهاد های خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.

مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن های ۶۲۳۴-۶۲۳۱ (داخلی) ۰۷۷۳۱۴۶۶۳۲۱ تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

تجربه دیپ سیک

آیا چین موفق می‌شود؟

مهتا معرفت

مترجم

۶ ماه پیش، بنگاه هوش مصنوعی چینی دیپ‌سیک دنیا را با مدل ۷۳ و جانشینان آن شگفت‌زده کرد. برای اولین‌بار کشوری غیر از آمریکا توانست مدل‌های منبع‌بازی‌ای بسازد که رقیب آنهایی است که در سیلیکون‌ولی تولید می‌شوند. این در حالی است که آمریکا چین را از دسترسی به تراشه‌های فوق پیشرفته نیمه‌رسانا محروم کرده بود.

بنگاه‌های چینی با وجود محدودیت‌ها همچنان به آموزش مدل‌های کلاس جهانی هوش مصنوعی ادامه دادند. شرکت هوش مصنوعی مون شات که مجموعه‌ای از متخصصان گوگل و متا آن را در پکن تأسیس کرده‌اند در ماه جولای از Kimi K۲ پرده‌برداری کرد. این مدل به‌سرعت به صدر جداول جهانی راه یافت. ارتباطات بین عصب‌های مدل پارامتر نام‌دارند. مدل Kim K۲ از دیگر همتایان منبع‌باز خود پارامترهای بیشتری دارد و توانست رقبای غربی خود از جمله چت‌جی‌پی‌تی ۴/۸ را در آزمون کدسازی و کلود ۴ اوپوس را در آزمون دانش علمی پشت سر گذارد. اما مدل‌ها باید مورد استفاده قرار گیرند تا واقعاً تأثیرگذار باشند. در اینجاست که آسیب تحریم تراشه‌ها بیش از همه نمایان می‌شود. کمبودها پسر مراکز داده‌ایسی تأثیرگذارند که آزمایشگاه‌های هوش مصنوعی برای راه‌اندازی سامانه‌هایشان پس از آموزش آنها نیاز دارند. کندی سرعت، محدودیت کاربرد و قطع ارتباطات اموری رایج هستند. شرکت مون شات چند روز پس از معرفی Kim K۲ بسیار آهسته است!، همزمان و طبق تازه‌ترین گزارش‌ها شرکت دیپ‌سیک معرفی تازه‌ترین مدل هوش مصنوعی خود را به تأخیر انداخته است تا از مشکلات عملکردی مشابه اجتناب کند. بنابراین وقتی کاخ سفید تازه‌ترین کنترل‌های صادرات را سه هفته پیش برداشت و یک‌بار دیگر به ان‌ویدیا اجازه داد که تراشه‌های H۲O را در چین به فروش رسانند هر دو شرکت چینی خوشحال شدند. عرضه این تراشه‌ها به شرکت‌های فناوری چین، موانعی را برمی‌دارد که هم‌اکنون سرعت رشد آنها را پایین آورده‌اند.

چین زمین حاصلخیزی برای رشد هوش مصنوعی است. این کشور میلیون‌ها فارغ‌التحصیل علوم و مهندسی، ظرفیت اضافی در شبکه برق، توانایی بالقوه ساخت سریع مراکز و دسترسی کامل به تمامی مراکز داده‌های عمومی غرب و داده‌های خودش دارد. اما از یک منبع داخلی توان رایانشی برخوردار نیست و همین محدودیت بنیادی تاکنون روند توسعه صنعت آن را شکل داده است.

بنگاه‌های چینی در ماه‌های گذشته، راه‌های زیادی برای دور زدن محدودیت‌های آمریکایی پیدا کرده‌اند. از ماه آوریل تراشه‌های ممنوعه‌ای به ارزش یک میلیارد دلار به کشور وارد شده‌اند و شرکت‌های داخلی از قبیل هواوی تراشه‌هایی ساخته‌اند که از برخی جهات با نمونه‌های پیشرفته ساخت ان‌ویدیا رقابت می‌کنند. تمرکز خستگی‌ناپذیر آنها بر کارایی به دستاوردهایی چشمگیر منجر شد.

دسترسی محدود به تراشه‌ها عامل یکی دیگر از ویژگی‌های شگفت‌آور بخش هوش مصنوعی چین یعنی علاقه شدید به منابع‌باز به‌شمار می‌رود. مدل‌های ۷۳ و Kimi K۲ شرکت دیپ‌سیک از طریق خدمات میزبانی شخص ثالث در دسترس‌اند و می‌توان آنها را در سخت‌افزارهای خود کاربران بارگذاری و اجرا کرد. این ویژگی به کاربران امکان می‌دهد که اطمینان یابند به‌رغم فقدان توان رایانش در خود شرکت، ارائه پشتیبانی از مدل‌ها از دیگر مکان‌ها امکان‌پذیر است. ویژگی منبع‌باز روش دیگری برای دور زدن ممنوعیت‌های سخت‌افزاری به‌شمار می‌رود چراکه اگر دیپ‌سیک نتواند به سادگی به تراشه‌های ان‌ویدیا دست یابد، اشخاص ثالث امکان دسترسی را دارند. اثرات محدودیت‌ها بر تمامی شرکت‌های چینی به یک اندازه نیست. شرکت علی‌بابا در جمعه گذشته تازه‌ترین مدل خانواده Qwen۳ را عرضه کرد که یک مدل منطقی منبع‌باز است و Qwen۳-Thinking-A۲۷B-۲۳۵B-۷۰۷۰۲۵ نام دارد. این عرضه خانواده Qwen و به‌طور کلی، هوش مصنوعی چین را در سطح بهترین مدل‌های منبع‌باز هوش مصنوعی یا حتی بهترین مدل‌های هوش مصنوعی قرار می‌دهد. اندازه سامانه علی‌بابا یک‌چهارم اندازه K۲ است به توان رایانش کمتری برای راه‌اندازی نیاز دارد و برخلاف دیپ‌سیک و مون شات از زیرساختار ابری بزرگی برخوردار است که امکان ادامه کار را برای مدل‌ها فراهم می‌کند. افزایش سرعت و کارایی مدل‌ها بازی جدیدی در بخش هوش مصنوعی چین است. آزمایشگاه هوش مصنوعی زد (Z.ai) در دوشنبه قبل دو مدل به نام‌های GLM-۵/۵ و Air ۴/۵ را عرضه کرد که سرعت و کارایی فوق‌العاده‌ای را به نمایش می‌گذارند.

منبع: اکونومیست

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

تله نفوذ

اقتصاد ایران چگونه گرفتار منافع گروه‌های ذی‌نفع شد؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر به شدت تحت تأثیر دخالت‌های سیاسی قرار گرفته و این دخالت‌ها، که از طریق سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد و نفوذ جریان‌های ذی‌نفع در ساختارهای اقتصادی شکل گرفته‌اند، اقتصاد را در تله‌ای از منافع سیاسی گرفتار کرده است. وابستگی شدید اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی، که از گذشته به عنوان ویژگی بارز آن شناخته می‌شود، زمینه‌ساز این گرفتاری بوده است. این وابستگی باعث شده که تخصیص منابع مالی و ارزی به جای آنکه بر اساس منطق اقتصادی و نیازهای بلندمدت توسعه‌ای انجام شود، اغلب تحت تأثیر ملاحظات سیاسی کوتاه‌مدت قرار گیرد. برای مثال، پروژه‌ها و بخش‌هایی که از نظر سیاسی مورد حمایت گروه‌های خاص هستند، در اولویت قرار می‌گیرند و این روند به تضعیف پایه‌های اقتصاد سالم منجر شده است.

به عقیده اقتصاددانان این گرفتاری ریشه در ساختارهای نهادی و تصمیم‌گیری کشور دارد که در آن‌ها سیاست بر اقتصاد سلطه دارد. نبود استقلال نهادهای اقتصادی مانند بانک مرکزی یا سازمان‌های تنظیم‌کننده بازار، باعث شده که سیاست‌های پولی، ارزی و تجاری به جای خدمت به منافع عمومی، ابزار دستیابی به اهداف سیاسی شوند.

جریان‌های ذی‌نفع، که از طریق ارتباطات سیاسی با دسترسی به منابع دولتی قدرت یافته‌اند، نقش کلیدی در این فرآیند ایفا کرده‌اند. این گروه‌ها از نبود شفافیت و بی‌ثباتی در محیط اقتصادی سود می‌برند زیرا در چنین فضایی امکان بهره‌برداری از منابع عمومی و ایجاد انحصارهای اقتصادی برای آن‌ها فراهم می‌شود. برای مثال، نوسانات شدید نرخ ارز یا تغییرات ناگهانی در قوانین تجاری، که اغلب نتیجه تصمیمات سیاسی هستند، به گروه‌های رانت‌جو اجازه می‌دهد از فرصت‌های غیرمولد سودهای کلان کسب کنند. در مقابل، فعالان اقتصادی سالم، که به دنبال سرمایه‌گذاری مولد و بلندمدت هستند، در این محیط پریسک و غیرشفاف توان رقابت ندارند.

ایسن وضعیت به کاهش شدید سرمایه‌گذاری بخش خصوصی منجر شده است. بر اساس گزارش‌های مرکز آمار ایران، نرخ تشکیل سرمایه ثابت در بخش‌های مولد

بازار سهام

افت سرعت نزول

بازار سهام در چه صورت با رشد مواجه می‌شود؟

مهتاب شهریاری

گروه اقتصاد

بازار سرمایه باتوجه به سایه جنگ روند منفی و نزولی دارد؛ به نحوی که هر روز شاهد ریزش شاخص کل بورس هستیم، ولی در ۲ روز اخیر افت بازار کاهش یافته و همچنان شاخص‌های بورس و فرابورس سراسر قرمزپوش است. باید گفت، تا زمانی که سایه ریسک‌های سیاسی باقی باشد، نباید انتظار بهبود بورس و رشد شاخص‌ها را داشته باشیم.

معاملات در روز دوشنبه مانند روزهای قبل با تقاضای ضعیف و روند نزولی آغاز شد، اما پس از گذشت یک ساعت و با تحركات مثبت در گروه خودرو و صندوق‌های اهرمی، بازار به تعادل رسید. همچنین در پایان معاملات ۴۰ درصد نمادها با

مانند صنعت و کشاورزی در دهه گذشته اغلب منفی بوده است. فعالان اقتصادی، به دلیل نبود چشم‌انداز روشن و پیش‌بینی‌پذیر، از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بلندمدت اجتناب می‌کنند و به جای آن به فعالیت‌های کوتاه‌مدت و غیرمولد مانند سفته‌بازی در بازار ارز و املاک، روی می‌آورند. این تغییر رفتار خود به تشدید مشکلات اقتصادی، از جمله تورم و بیکاری، دامن زده است.

سیاست خارجی و تنش‌های بین‌المللی نیز این تله را عمیق‌تر کرده‌اند. تحریم‌های اقتصادی، که نتیجه مستقیم تصمیمات سیاسی هستند، دسترسی ایران به بازارهای جهانی،



فناوری و سرمایه خارجی را محدود کرده‌اند. این محدودیت‌ها هزینه‌های تولید و تجارت را افزایش داده و فعالان اقتصادی را به سمت فعالیت‌های غیررسمی و کوتاه‌مدت سوق داده است. در چنین شرایطی، اقتصاد ایران نه تنها از توسعه پایدار بازمانده بلکه به گروگان منافع گروه‌هایی درآمده که از بی‌ثباتی و نااطمینانی سود می‌برند.

برای رهایی از این تله، اصلاحات ساختاری عمیقی لازم است. تقویت استقلال نهادهای اقتصادی از جریان‌های سیاسی، به‌ویژه بانک مرکزی، می‌تواند سیاست‌گذاری‌های پولی و ارزی را از فشارهای کوتاه‌مدت سیاسی آزاد کند. شفاف‌سازی قوانین و مقررات و ایجاد محیطی قابل پیش‌بینی برای فعالان اقتصادی از دیگر اقدامات ضروری است. مبارزه با فساد و رانت‌جویی از طریق تقویت نهادهای نظارتی مستقل و کاهش نفوذ گروه‌های ذی‌نفع می‌تواند اقتصاد را به سمت فعالیت‌های مولد هدایت کند. همچنین بهبود دیپلماسی اقتصادی و کاهش تنش‌های بین‌المللی می‌تواند دسترسی به منابع و بازارهای جهانی را تسهیل کرده و فضای مناسب‌تری برای سرمایه‌گذاری فراهم آورد.

گروه‌های ذی‌نفع همچنین از نااطمینانی‌های موجود نفع

می‌برند. یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد نااطمینانی در اقتصاد ایران، نبود شفافیت و ثبات در سیاست‌گذاری است. فعالان اقتصادی برای تصمیم‌گیری به محیطی نیاز دارند که قوانین و مقررات در آن قابل پیش‌بینی باشد. اما در ایران، تغییرات مکرر در سیاست‌های تجاری، ارزی و مالیاتی، همراه با تأثیرپذیری این سیاست‌ها از تحولات سیاسی داخلی و خارجی، فضایی پر از ابهام ایجاد کرده است. به عنوان مثال، مذاکرات هسته‌ای و تحریم‌های بین‌المللی در سال‌های گذشته تأثیر مستقیمی بر ارزش پول ملی، نرخ تورم و دسترسی به بازارهای جهانی داشته‌اند. این عوامل، که عمدتاً ریشه در تصمیمات سیاسی دارند، توانایی برنامه‌ریزی بلندمدت را از فعالان اقتصادی سلب کرده و آنها را به سمت فعالیت‌های کوتاه‌مدت و سوداگرانه سوق داده است.

علاوه بر این، ساختار اقتصاد ایران به گونه‌ای شکل گرفته که جریان‌های ذی‌نفع و رانت‌جو در آن قدرت قابل توجهی دارند. این جریان‌ها، که اغلب از طریق ارتباطات سیاسی با دسترسی به منابع دولتی تقویت شده‌اند، از نااطمینانی و بی‌ثباتی سود می‌برند. برای مثال در شرایطی که نرخ ارز به دلیل سیاست‌های نادرست با فشارهای خارجی نوسانات شدیدی را تجربه می‌کند، گروه‌های خاصی با دسترسی به اطلاعات یا منابع از این نوسانات

بهره‌برداری می‌کنند. این در حالی است که فعالان اقتصادی سالم، که به دنبال تولید و سرمایه‌گذاری مولد هستند، در چنین فضای توان رقابت ندارند. به این ترتیب، اقتصاد به گروگان جریان‌هایی درآمده که نه تنها به توسعه پایدار علاقه‌ای ندارند بلکه از بی‌ثباتی به عنوان ابزاری برای کسب سود استفاده می‌کنند.

کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، یکی از نتایج مستقیم این گروگان‌گیری است. داده‌های اقتصادی نشان می‌دهند که نرخ تشکیل سرمایه ثابت در ایران در دهه گذشته به شدت کاهش یافته است. بر اساس گزارش‌های مرکز آمار ایران، رشد سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد مانند صنعت و کشاورزی در بسیاری از سال‌ها منفی بوده است. این کاهش سرمایه‌گذاری نه تنها به دلیل نااطمینانی‌های سیاسی بلکه به دلیل موانع ساختاری مانند بوروکراسی پیچیده، فساد اداری، و نبود حمایت‌های کافی از بخش خصوصی رخ داده است. در چنین شرایطی، فعالان اقتصادی ترجیح می‌دهند، سرمایه خود را به جای تولید، در فعالیت‌های غیرمولد مانند خرید ارز، طلا، یا املاک سرمایه‌گذاری کنند که این خود به تشدید مشکلات اقتصادی منجر می‌شود.

شرکت‌ها را افزایش می‌دهد و موجب کاهش سود تقسیمی شرکت‌ها و عدم جذابیت سرمایه‌گذاری در بورس می‌شود. عوامل دیگری مانند ابهامات سیاسی، احتمال تنش‌های نظامی بین ایران و آمریکا و محدودیت‌های انرژی نیز بر بازار سایه افکنده و عرضه را در بازار افزایش داده‌اند. با این حال بازار از منظر بنیادی در محدوده ارزنده‌ای قرار دارد؛ از این‌رو تا زمانی که جریان نقدینگی و چشم‌انداز مثبت به بازار بازنگردد، رشد شاخص کل بعید است.

در کوتاه‌مدت و باتوجه به ارزندگی بازار و در صورت نبود سیگنال‌های منفی، می‌توان انتظار بهبود تقاضا را داشت. این بهبود، هرچند نمی‌تواند ریزش‌های اخیر را جبران کند، اما به نقدشوندگی بازار و جلوگیری از خروج سرمایه کمک خواهد کرد. همچنین دیروز در بازار مشتقه و مالی بورس کالای ایران در مجموع بیش از ۷۶۱ میلیون و ۴۵ هزار و ۵۱۰ قرارداد به ارزش ۷ هزار و ۷۹۰ میلیارد تومان منعقد شد.

در دادوستدهای روزگذشته بازار گواهی سپرده کالایی یک‌میلیون و ۵۲۲ هزار و ۲۰۸ گواهی شمش طلا به ارزش هزار و ۵۵۴ میلیارد تومان، ۱۸۰ هزار و ۱۰۹ گواهی شمش نقره به ارزش ۲۰ میلیارد تومان، ۳ هزار و ۹۵۷ گواهی سکه به ارزش ۳۳۶ میلیارد تومان و ۲۲۲ هزار و ۳۰۵ گواهی زعفران به ارزش ۲۵ میلیارد تومان فروخته شد.

کارناوال‌های بی‌مجوز

ماجرای گروه خودخوانده «سفیران ملی معروف» چیست؟

گروه اجتماعی: گروهی خودخوانده با نام «سفیران ملی معروف» از اواخر سال گذشته فعالیت خود را در شبکه‌های اجتماعی آغاز کرده و به‌صورت میدانی در معابر عمومی شهرهایی چون تهران، مشهد، قم، کرج، شیراز و اصفهان حاضر شده است. این گروه به‌طور مستمر، برنامه‌هایی تحت عنوان «رزمایش‌های مردمی امر به معروف» برگزار می‌کند. اعضای آن با پلاکاردهایی حامل شعارهای مذهبی و فرهنگی به خیابان‌ها می‌آیند و به زنان و مردان تذکر لسانی می‌دهند. در بهمن ماه گذشته، این گروه فراخوانی برای تجمع مقابل مجلس شورای اسلامی منتشر کرد که در آن خواستار ابلاغ فوری قانون حجاب به مجلس و حتی برکناری وزیر خارجه شدند. در هیچ‌یک از گزارش‌های موجود، اشاره‌ای به وجود مجوز رسمی برای این فعالیت‌ها نشده و همین مساله پرسش‌هایی اساسی درباره جایگاه حقوقی و نهاد نظارت‌کننده بر این گروه‌ها ایجاد کرده است.

«سفیران ملی معروف» خود را «سربازان جهاد فرهنگی» می‌نامد و رسالتش را ترویج حجاب شرعی، مقابله با «بدبوشی» و امر به معروف در سطح جامعه می‌داند. تصاویر منتشرشده از فعالیت‌های آنان حاکی از آن است که اعضا با لباس‌های ساده و پلاکاردهای تبلیغاتی در سطح شهرها حضور یافته و به رهگذران تذکر می‌دهند. اما پرسش اصلی آن است که آیا چنین اقدامات خیابانی، به‌ویژه در ابعاد گسترده و سازمان‌یافته، مجوز قانونی دارد؟ هیچ مقام رسمی تا کنون درباره صدور مجوز برای این «رزمایش‌های مردمی» توضیحی نداده است. معلوم نیست این گروه تحت نظارت کدام نهاد امنیتی،

ادامه گزارش یک

زشت و بی‌سلیقه

به‌جای تأثیر مثبت، اثر منفی می‌گذارد

اسکندر مختاری‌طالقانی، دکتری پژوهش هنر، مرمت‌گر، پژوهشگر میراث معماری و شهرسازی در این باره به سلازندگی گفت: اتفاقی که افتاده از دو منظر قابل بررسی است: نخست، مساله نقض حریم و دوم، تأثیر آن بر عملکرد و سیمای شهری. اگر قرار باشد اجرای یک پرفورمنس موجب لطمه نشود، این آسیب باید در چارچوبی معقول، مشابه تجربه کشورهایی که درگیر جنگ بوده‌اند و نمادهای معقولی ایجاد کرده‌اند مورد بررسی قرار گیرد.

او ادامه می‌دهد: در خصوص ساخت‌وسازهای اطراف، موضوع نخست به آنچه در عرصه تاتار شهر رخ می‌دهد، بازمی‌گردد. من با حریمی که توسط میراث فرهنگی مصوب‌شده و مورد تأیید شهرسازی نیز قرار گرفته که حدود ۱۵ متر ارتفاع برای اطراف در نظر گرفته شده، موافقم و آن را حریمی مناسب می‌دانم. اما در خصوص آنچه در عرصه در حال وقوع است تادام این وضعیت لطمه‌ای جدی به شهر وارد می‌کند. به‌طور عینی می‌توان دید که اتفاقات جاری با روح اثر و حس حفاظتی آن هماهنگ نیست. به گفته مختاری؛ ساختمان تاتار شهر در جایگاه خاصی ساخته شده، جایی که پیش‌تر کافه شهرداری و کافه تهران قرار داشت. در زمان طراحی این مجموعه هم‌زمان پروژه‌ای برای محوطه‌سازی پارک در جریان بود و هرچند دو پروژه طراحان متفاوتی داشتند، تلاش بر این بود که هماهنگی‌هایی بین آنها ایجاد شود. طراح عرصه آقای سردار افخمی بود که با الگوبرداری از باغ‌های ایرانی، فضایی با ساختار ایرانی‌تر طراحی کرد. اما ساخت آن با تأثیرپذیری از فرم دایره‌ای بنا به شکل دیگری دنبال شد. در نهایت، این دو طرح با وجود تفاوت، در کنار هم تجربه‌ای ماندگار در ذهن شهروندان پدید آوردند: خاطراتی که دست بردن در آن نادرست است.

نخستین اقدام اشتباهی که انجام شد، برداشتن حصار دور پارک بود. البته در اصل نبود حصار ایرادی نیست به شرط آنکه فضا به‌درستی مدیریت نشود. وقتی مدیریت حذف می‌شود، ابتدا فضا رها می‌شود، سپس دست‌فروشان، ناهنجاری‌های اجتماعی و افراد بی‌سربانه در آن مستقر می‌شوند. در نتیجه عملاً مدیریت فضا از دست می‌رود. اگر بناسـت حریمی تعریف شود باید به وضعیت اولیه‌ای که ساختمان در آن ساخته شده، بازگردد. مثلاً یک حصار کوتاه با ارتفاع حدود ۴۰ تا ۵۰ سانتی‌متر به همراه نرده. تصور من از موضوع این بوده است.

او با اشاره به پرفورمنس ایجاد شده در فضای تاتار شهر می‌گوید: از آنجا که موقتی است و به یک موضوع خاص-

فرهنگی یا انتظامی فعالیت می‌کند و مسئولیت رفتار اعضای آن با شهروندان چگونه تعریف شده است. نبود شفافیت در مجوزدهی، به‌ویژه در شرایطی که مکان و زمان برگزاری این برنامه‌ها از پیش اعلام نمی‌شود، موجب نگرانی گسترده میان شهروندان شده است.

نمونه‌های مشابه؛ از حجاب‌بان تا پیامک‌های بی‌فرستنده

فعالیت‌های این گروه را می‌توان در ادامه روند چند سال گذشته از اقدامات خودسرانه به بهانه «امر به معروف» دانست. پیش از این گزارش‌هایی از طرح شهرداری تهران برای جذب نیروهایی تحت عنوان «حجاب‌بان» در فضای رسانه‌ای منتشر شد. هرچند این موضوع از سوی مقامات شهرداری تکذیب شد اما سخنان برخی مسئولان محلی که تأکید داشتند، گروه‌های فعال در مترو «مردمند، نه نیروهای رسمی» به این شبهه دامن زد که بخشی از ساختار شهرداری زاکانی، این تحرکات را با چشم‌پوشی، اگر نگویم با حمایت، دنبال می‌کند.

در کنار این نمونه‌ها، ماجرای پیامک‌های هشدار حجاب در تهران، اصفهان و مشهد در تعطیلات نوروز و پس از آن در ماه‌های اخیر موجی از اضطراب اجتماعی به راه انداخت. زنانی که در خانه بودند، پیامک‌هایی با این مضمون دریافت کردند که «بدون رعایت پوشش قانونی در سطح شهر تردد داشته‌اید». فرستنده این پیامک‌ها ستادی ناشناخته معرفی شده و نهادهای رسمی، از شهرداری تا پلیس، مسئولیت آن را نپذیرفته‌اند.

یعنی جنگ ۱۲ روزه مرتبط است، نقض حریم محسوب نمی‌شود. از این جهت مشکلی ندارد اما از آنجا که فاقد سلیقه در اجراست به جای تأثیر مثبت، ممکن است اثر منفی برجا بگذارد و این خود ایرادی اساسی است. در دیگر کشورها، برای پرفورمنس‌ها معمولاً ابعاد زیبایی‌شناسی در نظر گرفته می‌شود. برای مثال در مورد شهر بم، تصمیم گرفته شد که آوارهای ناشی از زلزله در یک محل جمع‌آوری شود سپس روی آن تپه، درختکاری انجام شود و نهایتاً آن توده به یک نماد شهری تبدیل گردد؛ به‌عبارتی، یک ارزش جدید تولید شد.

به اعتقاد این استاد شهرسازی؛ اما پرفورمنسی که اکنون اجرا شده فاقد ارزش افزوده است و بیشتر شبیه یک اشتباه است. اگر قرار بود یک پرفورمنس چند ساعته برگزار شود، گروهی آن را ببینند از آن فیلم‌برداری شود و ویدیویی از آن تهیه شود، ایرادی نداشت. اما ماندگار شدن یک سازه که عملاً به شکل یک جراحـت در معرض دید عموم قرار گیرد به محیط آسیب می‌زند. مگر انسان جراحـت خود را در معرض دید دیگران قرار می‌دهد؟

نقض حریم نیست!

سعید فلاح‌بـر، دیگر کارشناس میراث فرهنگی؛ در گفت‌وگو با «سلازندگی» معتقد است: هرچند اجرای این پرفورمنس با سلیقه‌ای نازل همراه بوده اما نمی‌توان گفت که به لحاظ ضوابط کنوانسیون‌های مرتبط با حفاظت از حریم آثار تاریخی، تخلفی صورت گرفته است. چراکه ماهیت آن موقتی است و قابلیت جمع‌آوری دارد. از این رو، در چارچوب ضوابط رسمی، نقض محسوب نمی‌شود. البته همان‌گونه که در نمونه‌های پیشین مانند میدان آزادی نیز مشاهده شد، مسأله اصلی

این پدیده‌ها- چه کارناوال خیابانی و چه پیامک تهدیدآمیز- همه با یک پرسش کلیدی روبه‌رو هستند: اگر این اقدامات قانونی هستند، چرا مجوزشان اعلام نمی‌شود؟ و اگر قانونی نیستند، چرا متوقف نمی‌شوند؟ این دوگانگی، نهایتاً به کاهش سرمایه اجتماعی دولت و نهادهای رسمی دامن می‌زند بلکه باعث هراس، بی‌اعتمادی و شکاف اجتماعی در جامعه می‌شود.

ناهماهنگی با شرایط اضطراری کشور

منتقدان بر این باورند که برگزاری کارناوال‌های امر به معروف و سایر اقدامات کنترلی مشابه در شرایط بحرانی کشور که تبعات آن همچنان در فضای اجتماعی و اقتصادی کشور محسوس است. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود اولویت نهادهای رسمی و حتی نیروهای مردمی، انسجام‌بخشی، کاهش تنش‌های اجتماعی و مدیریت مسائل معیشتی باشد. اما اقداماتی مانند سازماندهی رزمایش‌های فرهنگی در خیابان‌ها، از هم با محوریت کنترل پوشش، نهایتاً به انسجام کمک نمی‌کند بلکه با دامن زدن به شکاف‌های فرهنگی و نسلی، خطر گسست اجتماعی را افزایش می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بخش زیادی از جامعه، به‌ویژه در طبقه متوسط شهری، دیگر تاب مداخله‌های مکرر و گاه توهین‌آمیز در سبک زندگی خود را ندارد.

«بی‌سلیقگی در اجراست» نه الزاماً نخطی از قوانین.

او ادامه داد: در خصوص خود اثر- نه حریم- این نکته مهم است که اگر تصمیم بر اجرای پرفورمنس در چنین فضای حساسی گرفته می‌شود، انتظار می‌رود جنبه‌های زیبایی‌شناختی، هنری و متناسب با شأن مکان رعایت شود. درست است که در جنگ ۱۲ روزه‌ای که در ایران رخ داد، ما با نمونه مشابهی در سطح بین‌المللی مواجه نیستیم و مقایسه مستقیم دشوار است اما در حوزه هنرهای شهری، به‌ویژه پرفورمنس‌های مرتبط با وقایع تاریخی، در کشورهای دیگر معمولاً دقت بیشتری در طراحی، انتقال پیام و خلق ارزش افزوده در فضای عمومی دیده می‌شود.

به اعتقاد فلاح‌بر؛ در این‌گونه موارد، کیفیت اثر هنری تابعی از تفکر و سلیقه هنرمند است. نقش هنرمند در این میان، تعیین میزان بهره‌گیری از واقعیت یا تخیل و نحوه بازتاب جنگ و رنج انسانی در اثر هنری است. ما نمی‌توانیم به هنرمند بگوییم که دقیقاً چه چیز را و چگونه باید به تصویر بکشد؛ اما می‌توان انتظار داشت که اثر نهایی، به‌ویژه در فضای مجاور یک بنای میراثی مهم مانند تاتار شهر، با استانداردهای حرفه‌ای اجرا شود و از نظر زیبایی‌شناسی، درک و همدلی عمومی را برانگیزد. نه آنکه فضا را به یک «جراحـت بصری» تبدیل کند. او می‌گوید: بنابراین، اگرچه این اثر موقتی است و از نظر قوانین حفاظتی، منع صریحی ندارد اما انتخاب محل اجرا، نوع طراحی و کیفیت ارائه، نیازمند دقت بیشتری بوده است. به‌ویژه با توجه به شرایط خاص اطراف تاتار شهر از جمله آسیب‌پذیری حریم، خروجی مترو و زیرگذر مجاور، این‌گونه اقدامات بدون مدیریت سلیقه‌مند، می‌توانند به جـای خلق یک نماد معنادار به آشفته‌گی بصری و ذهنی شهروندان دامن بزنند.

میدان آزادی نیز در ماه‌های اخیر شاهد مداخله‌ای بحث‌برانگیز بوده است. شهرداری تهران با نصب یک سازه فلزی عظیم‌الجثه در مقابل بنای نمادین میدان آزادی، مدعی شد که این ساختار بخشی از پروژه‌های «تورپردازی و گرامیداشت مقاومت» است. با این حال، بسیاری از معماران و شهروندان آن را «جسمی غریبه و بی‌ارتباط» با معماری و هویت میدان دانستند. به‌زعم منتقدان، این سازه با فرم خشن و متریال نامناسب، نه تنها به قرانت زیبایی‌شناسانه میدان آزادی لطمه زده بلکه چشم‌انداز اصلی بنای تاریخی را نیز مختل کرده است. میدان آزادی، که خود نمادی از تاریخ معاصر ایران و معماری مدرن دهه ۴۰خورشیدی است، حالا با پوششی سنگین و ناهماهنگ مواجه شده که همانند تاتار شهر، نشانی از بی‌توجهی به شأن میراثی فضاهای شهری دارد.



از سوی دیگر، این رفتارها باعث اتلاف منابع و ظرفیت‌های اجتماعی نیز می‌شود. جامعه‌ای که با بیکاری، تورم، ناامیدی اجتماعی و تبعات پساجنگ روبه‌روست، بیش از هر چیز به همدلی، امنیت روانی و امید نیاز دارد؛ نه تذکرات تکراری، تهاجمی و تحقیرآمیز. این در حالی است که حتی بسیاری از چهره‌های مذهبی و فرهنگی نیز خواستار تغییر رویکردها و عبور از روش‌های تهدیدمحور به روش‌های اقناعی، مداراگر و دواطلبانه شده‌اند.

امر به معروف، در ذات خود، توصیه‌ای اخلاقی و دینی با هدف اصلاح اجتماعی است. اما آنچه امروز در خیابان‌های تهران و شهرهای دیگر شاهد آن هستیم، بیشتر به نمایشی از قدرت‌نمایی ایدئولوژیک و تحمیل یک‌جانبه ارزش‌ها شباهت دارد تا دعوتی دلسوزانه به خیر عمومی. تکرار این الگوها، از حجاب‌بان و پیامک‌های هشدار تا کارناوال‌های این‌چنینی، نشان می‌دهد که نوعی تلاش برای بازتولید کنترل اجتماعی به شیوه‌های غیررسمی اما با چهره‌ای رسمی در حال گسترش است. در نهایت، اگر قرار است امر به معروف در جامعه امروز ایران معنا و کارکردی واقعی داشته باشد باید از مسیر شفافیت، قانون‌گرایی، رضایت عمومی و پرهیز از افراط بگذرد. در غیر این صورت، کارناوال‌های تبلیغاتی به جای اصلاح، تنها موجبات واگرایی بیشتر را فراهم می‌آورند.

شهری

برخورد سلیقه‌ای شهرداری!

عضو شورا؛ چرا شهرداری فقط ملک را از خانه اندیشمندان پس گرفت؟

در تذکرات دیروز اعضای شورای شهر تهران در صحن علنی، حواشی خانه اندیشمندان علوم انسانی، بحران فرونشست تهران و نابودی جنگل سرخه‌حصار بازتاب پیدا کرد. ناصر امانی، اقدام شهرداری مبنی بر تعویض قفل‌های خانه اندیشمندان بدون اطلاع شورا اشاره کرد و آن را «تصرف کامل» و اقدامی نگران‌کننده خواند. امانی پیشنهاد داد، اداره این مجموعه به‌صورت هیات امانی و با مشارکت واقعی اندیشمندان علوم انسانی باشد. «اگر قرار به اجرای قانون بود باید در دهها مورد مشابه دیگر اقدام می‌شد، نه تنها جایی که صرفاً محل فعالیت علمی و فرهنگی است».

او گفت که: «ما می‌دانیم در این دوره، ساختمان‌های بسیاری واگذار شده‌اند- چه از نوع تمدیدی و چه موارد جدید- حتی در مواردی که قراردادها به پایان رسیده، شهرداری اقدامی نکرده است. اگر قرار به برخورد قانونی بود باید ابتدا در آن موارد اقدام می‌شد، نه در مورد مکانی که اندیشمندان صرفاً فعالیت علمی، فرهنگی و پژوهشی دارند.» در ادامه جلسه مهدی عباسی، رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری با ارائه آماری نگران‌کننده از وضعیت آبی پایتخت پرده برداشت. طبق گفته او، سالانه ۱.۵ میلیارد مترمکعب آب در بخش کشاورزی استان تهران مصرف می‌شود که ۶۰ درصد آن از طریق چاه‌های عمیق تأمین شده و همین موضوع باعث فرونشست‌های شدید زمین در شهر شده است. او گفت: «در برخی نقاط تهران، زمین آن‌قدر سست شده که برای ریزش یک ساختمان حتی به زلزله هم نیازی نیست؛ عبور یک کامیون کافی است.» عباسی خواستار سرمایه‌گذاری ۶۵ هزار میلیارد تومانی برای تکمیل تصفیه‌خانه‌ها و افزایش ظرفیت بازچرخانی فاضلاب شد. او افزود: «با بهره‌برداری از پساب و نوسازی خطوط انتقال، می‌توان از فروریزش و هدررفت منابع حیاتی جلوگیری کرد.» در بخش دیگری از جلسه، مهدی پیرهادی، رئیس کمیسیون سلامت و محیط‌زیست شورا به تهدید جدی سوسک‌های چوب‌خوار در پارک ملی سرخه‌حصار پرداخت. او گفت: «این پارک، بخشی از هویت ملی ماست؛ پناهگاه مردم در دوران جنگ بود. امروز اما سوسک‌ها آن را می‌خورند و آب هم به آن نمی‌رسد. همه ساکت‌اند. فعالان محیط‌زیست، سازمان‌ها، نهادهای مسئول و ... همه انگار خوابند.» پیرهادی با لحنی تند، عملکرد سازمان محیط‌زیست را زیر سوال برد: «ساختمان‌های این سازمان درست در حاشیه پارک هستند؛ چطور ممکن است چشم‌شان را بر این فاجعه بسته باشند؟ اگر سازمانی نتواند اطراف خودش را نجات دهد، چگونه می‌خواهد برای کل کشور برنامه‌ریزی کند؟»

